

## بررسی تاثیر سیستم های کنترل داخلی بر رابطه بین مدیریت سود و عملکرد آتی شرکت

فاطمه رازمنش

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شهاب دانش، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

Fatirazmanesh685@gmail.com

سیدعارف نبی زاده

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شهاب دانش، قم، ایران.

Nabizade73@gmail.com

### چکیده

هدف اصلی تحقیق بررسی تاثیر سیستم های کنترل داخلی بر رابطه بین مدیریت سود و عملکرد آتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ می باشد. در این پژوهش؛ مدیریت سود به عنوان متغیر مستقل، عملکرد آتی شرکت به عنوان متغیر وابسته و سیستمهای کنترل داخلی شرکت (واحد حسابرس داخلی) به عنوان متغیر تعدیل گر می باشد. اهرم مالی، اندازه شرکت و نسبت اقلام تعهدی نیز به عنوان متغیرهای کنترل در نظر گرفته شده اند. نمونه آماری تحقیق شامل ۱۵۹ شرکت می باشد که از طریق روش حذفی سیستماتیک انتخاب شده است. روش پژوهش از نوع توصیفی- همبستگی با رویکرد کاربردی می باشد. روش گردآوری اطلاعات در بخش مبانی نظری از روش کتابخانه ای و در بخش آزمون فرضیات از روش اسنادکاوی صورتهای مالی می باشد. روش آماری مورد استفاده در این پژوهش روش همبستگی و رگرسیون چندگانه است. نتایج آزمون فرضیه ها نشان داد مدیریت سود بر عملکرد آتی شرکت تاثیر معکوس و معناداری دارد. سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی بر عملکرد آتی تاثیر مستقیم و معناداری دارند. همچنین سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی موجب کاهش رابطه معکوس مدیریت سود و عملکرد آتی شرکت می گردند.

**واژگان کلیدی:** مدیریت سود، عملکرد آتی، سیستم کنترل داخلی، وجود حسابرس داخلی.

### مقدمه

امروزه فرآیند بررسی عملکرد شرکت ها از مهمترین موضوعات مورد توجه مدیران، سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان و سایر اشخاص ذینفع محسوب می شود و نتایج حاصل از آن مبنای بسیاری از تصمیم گیری ها در داخل و خارج از شرکت ها است. منظور از سنجش عملکرد آتی شرکت ها، ارزیابی کلی از وضعیت مالی و نتایج عملیات، به منظور اخذ تصمیمات منطقی است (دریابی و شهرابی، ۱۳۹۷).

سود یکی از مهمترین منابع برای ارزیابی عملکرد واحد اقتصادی و شاخصی مناسب برای تصمیمات سرمایه گذاران به حساب می آید. در ادبیات حسابداری، مدیریت سود از موضوعاتی است که درخصوص سود حسابداری مطرح می شود. در ادبیات حسابداری، مدیریت سود به عنوان گزارش نادرست سطح عملکرد اقتصادی شرکت توسط افراد درون سازمانی (به ویژه مدیریت) تعریف می شود که با هدف گمراه کردن ذینفعان و دست اندرکاران بازار سرمایه صورت می گیرد. مدیریت سود در حسابداری، عملی عمدی برای اثرگذاری بر فرآیند گزارشگری مالی بخاطر کسب سود شخصی است و شامل

تغییر گزارش های مالی جهت گمراه ساختن سهامداران درباره عملکرد اساسی سازمان یا تحت تاثیر قراردادن پیامد های قراردادی است که وابسته به ارقام حسابداری گزارش شده می باشد (دینگ و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸).

مدیریت سود وقتی است که مدیران قضاوت خویش را در گزارشگری مالی و در نحوه ثبت و گزارش مبادلات بصورتی وارد نمایند که تغییری در محتوای گزارش های مالی صورت داده، یا برخی از سهامداران را نسبت به عملکرد اقتصادی شرکت گمراه نمایند و یا بر معیارها و پیامدهای قراردادی که وابسته به ارقام حسابداری گزارش شده اند تاثیر گذارند (حاجیها و نوری، ۱۳۹۲).

یکی از عوامل تعیین کننده کیفیت گزارشگری مالی؛ توجه به کنترل های داخلی است. سیستم کنترل داخلی به سه جزء ۱- محیط کنترل شامل: طرز تفکر مدیریت، طرح سازمانی، روش های مدیریت نیروی انسانی، پیش بینی های مالی و بودجه، حسابرسی داخلی، کمیته حسابرسی ۲- سیستم حسابداری شامل: مستندات داخلی کافی برای تشخیص مسئول هر کار، فهرست حسابها، دستورالعمل های اجرایی، رویه ها و روش های حسابداری ۳- روش های کنترل شامل: صدور صحیح مجوز معاملات، تفکیک مسئولیتها، مستندات کافی، حسابداری مؤثر داراییها، ارزشیابی صحیح ارقام ثبت شده تقسیم بندی می شود. کنترل های داخلی مربوط به سیستم حسابداری با دستیابی به هدفهایی چون موارد زیر سروکار دارند: الف: معاملات طبق مجوزهای کلی یا خاص مدیریت انجام می شود. ب: تمام معاملات و دیگر رویدادهای مالی به موقع و با مبالغ صحیح در حسابهای مربوط و در دوره حقوق ثبت می شود تا تهیه صورت های مالی را طبق استانداردهای حسابداری امکان پذیر کنند. ج: دسترسی بر داراییها و مدارک تنها با مجوز مدیریت صورت می گیرد. د: داراییها ثبت شده با غیر داراییها موجود در فواصل زمانی مناسب مقایسه و هرگونه اختلاف موجود به گونه ای مقطعی، پیگیری و رد می شود (سید نژاد فهیم و همکاران، ۱۳۹۷).

بر اساس تحقیقات گذشته؛ مدیران دست کم با توجه به یکی از این سه رویکرد، سود شرکت های تحت نظارت خود را مدیریت کرده اند: ۱- دستکاری در ارقام تعهدی ۲- دستکاری در طبقه بندی و ۳- دستکاری در فعالیت واقعی (هیلی و والن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹). در دو نوع اول مدیریت سود، فقط نحوه گزارشگری ارقام حسابداری تغییر می کند و تاثیری بر جریان نقدی آتی ایجاد نخواهد شد؛ در حالی که در مدیریت سود واقعی با تغییر در فعالیت های واحد تجاری، جریان های نقدی آتی تحت تاثیر قرار می گیرند. معمولاً ارزیابی مدیریت سود واقعی، رفتارهای فرصت طلبانه را آشکار می سازد و سرمایه گذاران، شاهد بی کفایی در استفاده از منابع خواهند بود و مدیریت سود از طریق ارقام واقعی، یکی از پیامدهای مهم تضاد منافع بین سهامداران و مدیران است (نایلا و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵).

در این پژوهش ابتدا به بررسی رابطه بین مدیریت سود و عملکرد آتی شرکت پرداخته می شود. سپس تأثیر سیستمهای کنترل حسابداری بر رابطه بین مدیریت سود و عملکرد آتی شرکت سنجیده خواهد شد. بنابراین هدف اصلی تحقیق حاضر پاسخ به این سؤالات می باشد که: ارتباط بین مدیریت سود و بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکتها پذیرفته شده در بورس تهران چگونه است؟ و سیستمهای کنترل داخلی چه تأثیری بر این رابطه خواهد داشت؟

<sup>1</sup> Ding and et al

<sup>2</sup> Healy and wahlen

<sup>3</sup> Naila et al

## مبانی نظری

مالکان، ثروت خود را در اختیار مدیران قرار می‌دهند و به منظور تصمیم‌گیری، خواهان حسابداری مدیریت از طریق ارائه اطلاعات و پاسخگویی در قبال عملکرد خود می‌باشند و در این مسیر، اطلاعات حسابداری بخش عظیمی از نیازهای اطلاعاتی تصمیم‌گیرندگان را تأمین می‌نماید (آدامز و فرریا، ۲۰۱۷).

بیشتر اطلاعات حسابداری در صورت‌های مالی اساسی منعکس می‌شود. یکی از صورت‌های مالی اساسی که بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، گزارش سود و زیان می‌باشد. سود به عنوان نتیجه نهایی فرآیند حسابداری، تحت تأثیر رویه‌های حسابداری قرار دارد که توسط مدیران انتخاب می‌شود. این فرآیند به مدیریت فرصت می‌دهد تا در مورد زمان شناخت و اندازه‌گیری هزینه‌ها و درآمدها، تصمیم‌گیری کند (نوروش و میرحسینی، ۱۳۹۳).

به علت قابلیت انعطاف‌پذیری ذاتی که در برخی از استانداردهای حسابداری وجود دارد، تفسیر و بکارگیری این رویه‌ها، در بسیاری از موارد تابع قضاوت و اعمال نظر مدیران است و این فرصت برای آن‌ها فراهم می‌شود تا با استفاده از تکنیک‌های متنوع از جمله ارقام تعهدی حسابداری، سود گزارش شده را مدیریت نمایند. بنابراین سود حسابداری ممکن است عملکرد واقعی حسابداری شرکت را منعکس ننماید. از آن جایی که این رفتار مداخله‌گرایانه (مدیریت سود) ممکن است بر کیفیت اطلاعات افشاء شده و مفید بودن آنها جهت تصمیم‌گیری در خصوص سرمایه‌گذاری تأثیر داشته باشد و اعتماد سرمایه‌گذاران به فرآیند گزارشگری مالی را تقلیل داده و ممکن است موجب تخصیص نادرست منابع کمیاب اقتصادی به سمت سرمایه‌گذاری‌هایی با کارایی اندک گردد (سان و همکاران، ۲۰۱۲).

امروزه در بین موضوعات پژوهشی در حوزه‌های حسابداری و مالی، شاید هیچ موضوعی به اندازه مدیریت سود تحریک‌آمیز نیست زیرا این موضوع به طور بالقوه حاوی تخلف، کشمکش، زیان، پنهان‌کاری و مفهومی اسرارآمیز می‌باشد (ویار و کلیک، ۲۰۱۷).

برای بررسی عملکرد شرکت، ابزارهای متنوعی وجود دارد که می‌توان به خالص وجوه نقد دریافتی و سود اشاره نمود. خالص وجوه دریافتی برای ارزیابی عملکرد در فواصل زمانی معین، سودمند نمی‌باشد؛ از آنجایی که همواره بدست آوردن منافع اقتصادی و یا ازدست دادن منابع، همزمان با جریان نقدی نمی‌باشد بنابراین خالص وجوه نقد دریافتی یک معیار پرخطا برای اندازه‌گیری نتیجه عملکرد واحد می‌باشد (پاپا و همکاران، ۲۰۱۵).

البته به اعتقاد یون و میلر (۲۰۰۲) وجوه نقد حاصل از عملیات یکی از عواملی است که در واحد تجاری کمتر می‌تواند مورد دستکاری قرار گیرد و بنابراین معیار واقعی‌تری از عملکرد اقتصادی واحد تجاری است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً آن دسته از واحدهای تجاری که با عملکرد ضعیفی روبه‌رو بوده‌اند، انگیزه قوی‌تری برای افزایش سود گزارش شده خود از طریق فرآیند مدیریت سود داشته باشند و بر عکس برای واحدهای تجاری که از عملکرد خوبی برخوردار بوده‌اند، احتمال اتخاذ شیوه‌های افزایش مصنوعی سود توسط مدیریت کم‌تر خواهد بود (مهرآذین و همکاران، ۱۳۹۳).

سود به عنوان ابزاری دیگر برای بررسی عملکرد واحد تجاری، بسیار مورد استفاده می‌گردد. طبق بیانیه شماره یک مفاهیم حسابداری هیئت استانداردهای حسابداری مالی، کاربردهای اساسی سود عبارت است از (آقایی و چالاکی، ۱۳۹۳):

- معیاری جهت ارزیابی عملکرد مدیریت.
- استفاده از آن جهت پیش‌بینی سودهای آتی.

1. Adams & Ferreira  
2. Sun And Et al  
3. Uyar and Kiliç  
4. Papa & Et al

- ارزیابی توان سودآوری شرکت در طی فرآیند بلندمدت.
- برآورد مخاطرات سرمایه‌گذاری و اعتباردهی.

اما محاسبه سود خالص یک واحد انتفاعی متأثر از روشهای متفاوت و برآوردهای حسابداری است. از طرف دیگر بنا به دلایلی نظیر توانایی ایجاد تغییر در روشهای حسابداری، اختیار عمل مدیران در استفاده از اصول تحقق و تطابق، عدم الزام روشهای یکنواخت، آگاهی بیشتر مدیران از وضعیت شرکت و امکان دسترسی انحصاری مدیران به بخشی از اطلاعات مالی و نیز ویژگی حسابداری تعهدی و انگیزه‌هایی همچون امنیت شغلی، پاداش، قانون‌گریزی، اجتناب از گزارش زیان و کاهش سود، قراردادهای بدهی، افزایش ثروت، دستیابی به انتظارات سهامداران و برنامه‌های پیش‌بینی‌شده، این انگیزه را در مدیریت بوجود می‌آورد که با اعمال روشهای مختلف در جهت منافع خود و در جهت تضاد با سایر گروه‌ها، سود را دستکاری نمایند و خواسته یا ناخواسته ممکن است با دستکاری سود، وضعیت شرکت را مطلوب جلوه دهد که تحت چنین شرایطی سود واقعی با سود گزارش شده در صورتهای مالی مغایرت داشته و رویدادی تحت عنوان مدیریت سود رخ می‌دهد (استکی، ۱۳۹۳).

در ادبیات حسابداری ارائه تعریف روشن از مدیریت سود مشکل است، زیرا مرز میان مدیریت سود و تقلب‌های مالی مشخص نمی‌باشد. تقلب مالی، حذف یا دستکاری عمدی واقعیات اصلی یا داده‌های حسابداری است که در کنار سایر داده‌های موجود، باعث تغییر قضاوت و یا تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان از داده‌ها خواهد شد. ضمن اینکه وجود تضاد منافع بین مدیران و مالکان در کنار عواملی همچون ابقاء و پاداش مدیران، زمینه ساز مدیریت سود می‌شود (چالاک و آقایی، ۱۳۹۳).

مدیریت سود شکلی از دستکاری سود است که ممکن است قابلیت اتکای سودها را کاهش دهد. هر چه سودها قابلیت اتکای کمتری داشته باشند، حاوی اطلاعات مفید کمتری نیز هستند. اما زمانی که مدیریت سود فرصت‌طلبانه با استفاده از سیستمهای نظارتی کنترل شود، سودهای حسابداری قابل اتکاتر بوده و حاوی اطلاعات مفیدتری هستند (بارو و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲).

دی جورج<sup>۲</sup> و همکاران (۱۹۹۹) مدیریت سود را به عنوان نوعی دستکاری مصنوعی سود توسط مدیریت جهت حصول به سطح مورد انتظار سود برای بعضی تصمیمات خاص (از جمله پیش‌بینی تحلیل‌گران و یا برآورد روند سودهای قبلی برای پیش‌بینی سودهای آتی) تعریف می‌کند. به نظر ایشان، درواقع انگیزه اصلی مدیریت سود، مدیریت تصور سرمایه‌گذاران درمورد واحد تجاری است (لاری سمنانی و جعفری زاد، ۱۳۹۷).

از دید هیلی و وهلن<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوتهای شخصی خود در گزارشگری مالی استفاده می‌کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دستکاری می‌نمایند (استکی، ۱۳۹۳).

اسکیپر<sup>۴</sup> (۱۹۸۹) مدیریت سود را به عنوان مداخله با اراده در فرآیند گزارشگری مالی به منظور کسب منفعت شخصی برای سهامداران و مدیران تعریف می‌کند (مشایخی و عظیمی، ۱۳۹۵).

فلسفه مدیریت سود، بهره‌گیری از انعطاف‌پذیری روش‌های استاندار و اصول پذیرفته‌شده حسابداری می‌باشد که این انعطاف‌پذیری دلیل اصلی تنوع موجود در روشهای حسابداری است. در زمانی که تفسیر یک استاندارد بسیار انعطاف‌پذیر است، یکپارچگی داده‌های ارائه شده در صورتهای مالی کمتر می‌شود (رویایی و ابراهیمی، ۱۳۹۷).

<sup>1</sup> Barua & Et al

<sup>2</sup> Degeorge, F

<sup>3</sup> Healy, P.M. & Wahlen

<sup>4</sup> Schipper

حسابرسی داخلی، بخشی اساسی از یک سیستم کنترل داخلی اثربخش است که آن نیز به نوبه خود بخشی اصلی از مدیریت خوب در سازمان شناخته می شود. حسابرسی داخلی کمک موثری است در پیشگیری از تقلب و اشتباه یا کشف آنها. حسابرسی داخلی و حسابرسی مستقل دارای نقشهای متفاوت، اما مکمل یکدیگرند (آدامز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹).

هر سیستم یا مجموعه ای از کنترلها، اعم از مالی و غیر مالی، برای دستیابی به اطمینان منطقی از تحقق موارد زیر برقرار می شود (رسائیان و حسینی، ۱۳۸۷):

۱- اثر بخش و کارآمد بودن عملیات.

۲- قابل اتکاء بودن اطلاعات مالی و گزارشگری آن.

۳- رعایت قوانین و مقررات.

واحد حسابرسی داخلی باید هدفهایی داشته باشد که به روشنی مشخص شده و قابل اندازه گیری باشد. این هدفها باید ابتدا به موافقت سازمان برسد و جزء هدفهای سازمان نیز قرار گیرد. هدفهای حسابرسی داخلی در سازمانهای مختلف فرق می کند، هدفهای حسابرسی داخلی هر سازمان باید متناسب با هدفهای کلی آن سازمان تدوین شود. هدفهای سازمانی همواره تغییر و بهبود می یابد و از این رو محیط کنترلی و سیستم کنترل داخلی نیز پیوسته باید مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گیرد (آل آکرا و علی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲).

گزارشهای حسابرسی داخلی در هر مورد حسابرسی باید ابزاری باشد برای مدیران سازمان که از اثر بخشی سیستم کنترل داخلی، اطمینان یابند. زمان بندی گزارشگری حسابرسی داخلی، پخش گزارشها و رعایت الزامات رازداری باید به روشنی تمام، تعیین شود (ببچوک و فرید<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷).

آیین نامه های مالی داخلی هر سازمان باید جایگاه سازمانی حسابرسی داخلی را مشخص کند. آیین نامه های مالی باید مسئولیتها و وظایف واحد حسابرسی داخلی را به روشنی تعیین کند و بعلاوه، اختیارات لازم را برای مسئول حسابرسی داخلی پیش بینی نماید تا وی بتواند به کلیه مدارک، دارایی ها، ساختمان و کارکنانی که برای انجام وظایف و مسئولیتهای خود و نتیجه گیریها و پیشنهادها، لازم تشخیص می دهد، دسترسی نامحدود داشته باشد (نوروش و همکاران، ۱۳۹۷).

حسابرسی فرآیندی است منظم و باقاعده (سیستماتیک) به منظور جمع آوری و ارزیابی بی طرفانه شواهد درباره ادعاهای مربوط به فعالیتها و وقایع اقتصادی، به منظور تعیین درجه انطباق این ادعاها (اظهارات) با معیارهای از پیش تعیین شده و گزارش نتایج به افراد ذی نفع. حسابرسی مربوط به بررسی و تایید دادههای مالی برای قضاوت در مورد صحت وجود صداقت در دادههایی است که با آنها رویدادها و شرایط توصیف می شوند (مهرانی و بهبهانی نیا، ۱۳۸۹).

دادههای مالی اساساً گزارشهایی از حقایق مبهم است. تایید آنها به استفاده از تکنیکها و روشهای برهان و استدلال نیازمند است (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۹). فهم تجربه حسابرسی و دریافتن این نکته که کدام زمینه به گونه ای تاریخی به این تجربه شکل داده، نشان می دهد پدید آمدن حرفه حسابداری شکاف تولیدکننده و استفاده کننده اطلاعات مالی را به حداقل رساند و سبب شد یک ارتباط (این همانی) بین آنها به وجود آید. وقتی دریافت کننده اطلاعات مالی تضاد منافع بین خود و تولیدکننده را در می یابد، نگران مغرضانه بودن اطلاعات ارائه شده است و به همین دلیل به سراغ حسابرسان می رود. این رابطه؛ یعنی رابطه بین مدیران شرکت، استفاده کنندگان اطلاعات مالی و حسابرسان، درون یک مثلث انسانی نمایندگی شکل می گیرد. مثلثی که به طور رسمی به عنوان ساختار اساسی نقش حسابرسی، توسط کمیته مفاهیم حسابرسی انجمن حسابداری آمریکا شناسایی شده است (نمازی و همکاران، ۱۳۹۱).

<sup>1</sup> Adams

<sup>2</sup> Al-Akra and Ali

<sup>3</sup> Bebchuk & Fried

از آنجا که مدیران شرکت‌ها، در یک موضع قدرت قرار دارند و می‌توانند در نبود حسابرسی، از موقعیت نمایندگی خود برای تعیین نحوه گزارش اطلاعات مالی به مالکان استفاده کنند، حسابرسی را می‌توان به عنوان یک وسیله انضباطی مورد اعتماد برای کاهش چنین اختیاری در نظر گرفت. حسابرسان نه تنها می‌توانند درستی و انسجام روش‌های حسابداری مورد استفاده در گزارش‌های مالی را گواهی و تایید کنند (و نظم صریحی را بر نمایندگان مدیریتی تحمیل کنند) بلکه، حتی حضور آنها به عنوان حسابرس نیز به صورت یک عامل منضبط کننده عمل می‌کند (نوروش و همکاران، ۱۳۸۴).

حسابرسان در هر کار حسابرسی، ویژگی‌های فردی‌شان را به کار می‌گیرند، از این رو محدودیت‌های شناختی آنان منجر به انحراف و چالش در قضاوت حرفه‌ای می‌شود، همچنین به دلیل اینکه فعالیت‌ها و مراحل مختلف حسابرسی توسط یک شخص انجام می‌گیرد، یک فرد نمادی از حرفه است و بار مسوولیت حرفه را بر دوش می‌کشد. از این رو تحلیل شرایط و مسائل حرفه به دلیل ارتباط با موجود پیچیده‌ای به نام انسان (حسابرس) شایستگی‌ها و مهارت‌های او، محدودیت‌های شناختی، پشتیبان‌های تصمیم‌گیری، بی‌طرفی و سوگیری‌های قضاوتی و منافع شخصی او و همچنین محیط متغیر و پیچیده‌ای که از ارتباط این انسان‌ها و عوامل دیگر شکل می‌گیرد، با چالش‌ها و ابعاد گوناگونی همراه است (مهرانی و بهبهانی‌نیا، ۱۳۸۹).

از این رو برای درک حرفه حسابرسی، نمی‌توان مانند یک مشاهده‌گر خارجی به نظاره حسابرس نشست و نمودهای بیرونی اعمال او را مشاهده کرد، بلکه باید برای معنا و مقصود رفتار او اصولی را وضع و او را از دیدگاه خودش درک کرد؛ بنابراین ناظر بیرونی (جامعه یا پژوهشگر) باید بتواند چگونگی درک حسابرسان از وقایع را درک کند (جنسن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳). به این ترتیب درک او فهمی ثانویه است که از طریق آن، پژوهشگر می‌کوشد تا فرآیند اولیه درک حسابرسان را بفهمد. هدف درک ثانویه آن است که نمونه یا مدل ایده‌آل درک حسابرس در فعالیت‌های او آشکار شود (نوروش و همکاران، ۱۳۹۵). مثلاً در بحث استقلال، به عنوان سنگ بنای حرفه حسابرسی، این موضوع به عنوان حالتی از ذهن به مفهوم نگرش حسابرس به روابط موجود با مدیریت صاحبکار، سهامداران و سایر ذی‌نفعان و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی تصور شده است (چونگ‌واسپیشل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵). بارتل<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) نیز استقلال واقعی را نبود گرایش ذهنی در اجرای عملیات حسابرسی و استقلال ظاهری را پرهیز از شرایطی می‌داند که حسابرس را در تضاد منافع آشکار با صاحبکار نشان دهد؛ بنابراین استقلال واقعی با بی‌طرفی و استقلال ظاهری به طور معمول با تصور استفاده‌کنندگان از وجود تضاد منافع حسابرس در یک وضعیت معین ارتباط دارد.

عامل اصلی برای توانمندی حسابرسی داخلی، استقلال آن است. مدیریت باید این عامل را به رسمیت بشناسد و با تامین جایگاه مناسب حسابرسی داخلی در ساختار سازمانی، نسبت به استقلال واحد حسابرسی داخلی اطمینان دهد (هاگارد و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶).

عملکرد حسابرسی داخلی باید چنان باشد که به روشنی نشان دهد حسابرسی داخلی تحت تاثیر هیچ گونه اعمال نفوذ غیرمسئولانه ای نیست که بتواند دامنه رسیدگی یا کار آن را محدود کند یا تغییر دهد یا بتواند بر تصمیم‌گیری آن درباره محتوای گزارش‌هایی که به مدیریت ارائه می‌شود، اثر گذارد (هوانگ‌وکیم<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵).

افراد زیادی با مفاهیم و ادبیات مربوط به استقلال درگیر بوده اند حتی این ادعا نیز بیراه نیست که مفهوم استقلال در گذر زمان تغییر کرده است. استقلال حسابرسی نوید دهنده این اطمینان است که صورتهای مالی بوسیله افرادی

<sup>1</sup> Jensen

<sup>2</sup> Mutez and sherref

<sup>3</sup> Bartelt

<sup>4</sup> Haggard And Et al

<sup>5</sup> Hwang & Kim

حسابرسی شده است که همراه با صلاحیت فنی از بیطرفی کافی برای اجرای حسابرسی برخوردار بوده اند. چنین ویژگی‌هایی قابلیت اعتماد صورتهای مالی را افزایش داده و خطر الودگی اطلاعات را کاهش می دهد فرایند شکل گیری سرمایه را اسان می کند و به سیستم بازار سرمایه اعتبار می دهد. اهمیت موضوع استقلال حسابرسان موجب شده است تا در ۲۱ نوامبر ۲۰۰۰ کمیسیون بورس اوراق بهادار مجموعه مقررات جدید ناظر بر استقلال حسابرسان را منتشر نمایند. بر اساس این مقررات شرکتها ملزم هستند که در برگیرنده های درخواست و کالتنامه، حق الزحمه پرداختنی به حسابرسان را در سه گروه مجزای حق الزحمه حسابرسی، حق الزحمه فن آوری اطلاعات (شامل طراحی سیستم های اطلاعاتی) و سایر حق الزحمه های پرداختنی به حسابرسان را افشا نماید. بحث در مورد استقلال به همینجا ختم نمی شود اما می توان انتظار داشت که اگر سنگ زیر بنای حرفه ما از بین برود باعث رکود و از بین رفتن حرفه خواهد شد، به منظور عملیاتی کردن تعاریف موجود از استقلال اقدامات انجام شده محدود به مقالات و اظهار نظرهای عملی نمی شود. آیین رفتار حرفه ای تدوین شده توسط کشورهای مختلف هر کدام به نحوی سعی دارند مصادیق عملی استقلال را در چارچوب معاملات، منافع مالی و روابط تجاری و غیر تجاری ممنوعه تعریف نمایند، علاوه بر موارد فوق و به دلیل حساسیت موضوع در اکثر کشورها در رابطه با ارائه خدمات حرفه ای به شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، قوانین و مقررات مصوب کمیسیون بورس اوراق بهادار نیز الزامات سخت گیرانه بیشتری را ضروری دانسته است. الزامات آیین رفتار حرفه ای فقط محدود به ارائه خدمات اعتبار دهی نیست و به طور عمده تاکید می شود که در کلیه خدمات مرتبط حتی الامکان باید از تضاد منافع دوری شود. در ارائه خدمات مشاوره مالیاتی و برنامه ریزی نیز باید از تصمیم گیری به جای مدیریت بپرهیزند و فقط نقطه نظرات خود را اعلام کنند. توانایی حسابرس در مقاومت برابر خواسته های صاحبکار بستگی به درجه وابستگی حسابرس به صاحبکار دارد (اینگار و زامپلی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷).

هر چه این وابستگی بیشتر باشد درجه فشار بیشتر است هر چقدر موسسه حسابرسی نسبت به صاحبکار کوچک باشد مستعد تحمل فشار بیشتری است. با ثابت بودن سایر عوامل اندازه موسسه حسابرسی عاملی تعیین کننده در مقابل حفظ استقلال حسابرس است صاحبکاران می توانند در مواردی حق الزحمه کمتری را پیشنهاد کنند یا تهدید کنند که حسابرس دیگری پیدا خواهند کرد. کوچک بودن اندازه موسسات منجر به مشکلات پیدا کردن صاحبکار یا کاهش توانایی رقابت و در نتیجه کاهش کیفیت حسابرسی و در نهایت کاهش استقلال خواهد شد (او کونل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶).

استقلال حسابرس تابعی از توازن سالم قدرت بین موسسه حسابرسی و صاحبکار است<sup>۱</sup>. ویژگی های لازم برای یک حسابرس به طور مستقیم تابع شرایط موجود نیاز به حسابرسی و فرایند تامین این نیازهاست از جمله ویژگی های فردی حسابرس، استقلال حسابرس است زیرا تضاد منافع بین دو گروه تهیه کننده و استفاده کننده اطلاعات، توجه نیاز به حسابرسی است و در صورت نبود تضاد منافع بین این دو گروه نیاز به خدمات حسابرسی به طور عمومی کاهش می یافت. وجود تضاد منافع انجام خدمات حسابرسی توسط فردی مستقل از دو گروه را ضروری می سازد. نتیجه اینکه یکی از مهمترین ویژگی های حسابرس استقلال حسابرس است. استقلال در اینجا بدین معنی است که حسابرس در انجام خدمات خود تحت نفوذ دیگران قرار نگیرد (ریسمان و کاهال<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳).

استقلال برای حسابرس تا حدی است که تمام ویژگی های دیگرش را تحت الشعاع قرار می دهد. جایگاه سازمانی، نگرش ذهنی و آزادی عمل در بررسی و گزارشگری و رابطه مالی از جمله عواملی است که بر استقلال حسابرسان تاثیر می گذارد. رابطه بین حسابرس و تهیه کننده اطلاعات محور اصلی بحث استقلال است به طور کلی جهت تاکید بر یک رابطه مستقل فی مابین موضع اتخاذ شده اینست که انتخاب کردن حسابرس فراهم کردن زمینه و امکانات حسابرسی

<sup>1</sup> Iyengar and Zampelli

<sup>2</sup> O'Connell

<sup>3</sup> Riseman & Kahale

برای وی باید از مسولیت های هیات مدیره یا ترکیبی از هیات مدیره و با تایید سهامداران باشد. در سالهای اخیر اندیشه انتخاب حسابرسان توسط زیر مجموعه ای غیر موظف از اعضای هیات مدیره بهترین روش دستیابی به یک رابطه مستقل بین حسابرسی و مدیریت سازمان است. تایید حسابرسان توسط سهامداران پایه های استقلال حسابرسان را محکم تر می کند و از اینکه حسابرس عاملی در دست مدیریت نیست و کاملاً از وی مستقل است اطمینان بیشتری به استفاده کنندگان اطلاعات می بخشد. استقلال سازمانی باعث رهایی حسابرس از نفوذ تهیه کننده اطلاعات می شود. جایگاه سازمانی مستقل فراهم کننده اطمینانی منطقی است که حسابرس تحت تاثیر حرکات سو گیرانه واحد مورد رسیدگی قرار نمی گیرد و می تواند پذیرش نقش حسابرسی را به عنوان مکانیزمی نظارتی توسط استفاده کنندگان و جامعه بهبود بخشد (نوروش و همکاران، ۱۳۸۹).

یکی از مسائلی که در ادبیات حرفه ای و دانشگاهی به عنوان عامل کاهنده استقلال حسابرس به آن پرداخته شده است موضوع خدمات غیرحسابرسی حسابرسان است. از آنجا که حرفه حسابرسی برای سال های متمادی به شیوه ای بسیار کاراندیش و عمل باورانه شرح و بسط یافته و فقط در چند دهه گذشته به بنیادهای نظری زیربنای این رشته توجه شده است، اعتقاد بر این است که رویکردی علمی و دانشگاهی به حسابرسی می تواند اعتماد عمومی به کارکرد و اثربخشی حسابرسی را با فراهم آوردن سازمانی سیستماتیک از دانش حسابرسی و کمینه سازی ناسازگاری های درونی اش افزایش دهد (چونگ و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵).

حرفه حسابرسی تحت فشار اقتصادی قابل ملاحظه ای است و در سال های اخیر این موضوع شدت بیشتری یافته است. سودآوری پایین خدمات حسابرسی سنتی، فشار پیوسته و مداومی را برای انجام فعالیت هایی نظیر خدمات مشاوره ای، طراحی سیستم های اطلاعاتی حسابداری، طراحی یا اصلاح کنترل های داخلی، به منظور سودآوری موسسات حسابرسی بوجود آورده است. عده ای بر این باورند که حسابرس با انجام خدمات غیرحسابرسی ممکن است استقلال خود را از دست بدهد. عده ای دیگر معتقدند حسابرس با انجام خدمات حسابرسی با سیستم حسابداری صاحبکار بیشتر آشنا شده و می تواند حسابرسی را با استقلال بیشتر و کیفیت بالاتری انجام دهد (پاپا و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵).

موتز و شرف (۱۹۶۱) انجام خدمات غیرحسابرسی توسط حسابرس را مورد مطالعه و بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که خدمات مدیریتی و خدمات مالیاتی استقلال ظاهری حسابرس را مخدوش می سازد.

بیتی و همکاران (۱۹۹۹) در تحقیقی که در کشور انگلستان انجام دادند به این نتیجه رسیدند که حق الزحمه خدمات غیرحسابرسی به میزان ۱۰۰ درصد حق الزحمه حسابرسی از دیدگاه مدیران مالی شرکت ها ششمین، از دیدگاه شرکای موسسات حسابرسی دوازدهمین و از دیدگاه تحلیلگران مالی دومین عامل کاهنده استقلال حسابرس از میان بیست و چهار عامل کاهنده استقلال بود.

علاوه بر این، حق الزحمه خدمات غیرحسابرسی به میزان ۵۰ درصد حق الزحمه حسابرسی از دیدگاه نمونه آماری مزبور به ترتیب دارای رتبه های دهمین، هفدهمین و پنجمین عامل کاهنده استقلال حسابرس بود.

پژوهشگران در یک مطالعه که دوره ای ۶ ساله تا مارس ۲۰۰۶ را در بر می گرفت رابطه بین نسبت کل حق الزحمه های حسابرسان به ارزش بازار شرکت ها در یک نمونه از شرکت های UK را بررسی و به ارزیابی استقلال حسابرسان پرداختند. آنان دریافتند که فقط در حالت بالا بودن نسبت حق الزحمه حسابرسان استقلال آنها تهدید می شود. این مطالعه نشان داد افشای حق الزحمه های حسابرسی و خدمات غیرحسابرسی به عنوان درآمد حسابرسان به سرمایه گذاران مربوط است و سرمایه گذاران عدم انجام خدمات غیرحسابرسی را ترجیح می دهند.

<sup>1</sup> Huimin Chung And Et al

<sup>2</sup> Papa And Et al



مدیران موسسات و سازمانها توجه وافری به سیستم های کنترل داخلی دارند؛ زیرا مدیران به خوبی می دانند در نبود یک سیستم کنترل داخلی اثر بخش، تحقق رسالت اصلی شرکت، حفظ سودآوری و به حداقل رساندن رویدادهای غیر منتظره بسیار مشکل است و وسیله ایست که موجب می شود، نسبت به ارقام و آمار حسابداری اطمینان بیشتری بیابد و اعداد و اطلاعات مذکور را مبنای تصمیمات خود قرار دهند و همچنین آنان را مطمئن می سازد که سیستم و روشهای صحیح مالی واداری در داخل موسسه ایشان به طور کامل اجراء می شود (پایا و همکاران، ۲۰۱۵).

کنترل داخلی از نظر حسابرسان مستقل نیز حائز اهمیت بسیاری می باشد. زیرا حدود، نوع و اجرای کنترلهای داخلی بیش از هر موضوع دیگر، در تعیین روشهای حسابرسی و حجم رسیدگیهای حسابرس موثر می باشد و حسابرس مستقل پس از بررسی چگونگی کنترل داخلی می تواند نسبت به گستردگی رسیدگی ها جهت اظهار نظر نسبت به گزارشهای مالی تصمیم لازم را اتخاذ نماید. کنترل داخلی نمی تواند موفقیت یک واحد اقتصادی یا حتی تداوم حیات آن را تضمین کند. حتی اثر بخش ترین سیستم کنترل داخلی، تنها می تواند به واحد اقتصادی کمک کند تا به اهداف تجاری اساسی دست یابد. کنترل داخلی اثربخش می تواند مدیریت را به اطلاعاتی درباره پیشرفت یا عدم پیشرفت در راستای تحقق اهداف مجهز کند، اما نمی تواند رویدادها یا پدیده های غیر قابل کنترل مانند سیاستها یا برنامه های دولت، اقدامات رقبا یا شرایط اقتصادی را تغییر دهد، ولی برای دستیابی به اکثر اهداف مهم، به کار گیری کنترلهای داخلی گریز ناپذیر است. به همین جهت، تقاضا برای سیستم های بهتر و برتر کنترل داخلی و گزارش عملکرد آنها دائماً رو به افزایش است. با دقت نظر بیشتر می توان دریافت که کنترل داخلی ابزاری مفید برای حل مشکلات بالقوه است. کنترل های داخلی تنها به حسابداری و امور مالی محدود نمی شود بلکه تمام واحد تجاری و فعالیت های آن را شامل می شود (نوروش و همکاران، ۱۳۸۹).

کنترل داخلی فرآیندی است که به منظور کسب اطمینان معقول (نسبی) از تحقق اهدافی که در پنج گروه به شرح زیر دسته بندی می شوند، توسط هیئت مدیره، مدیریت و سایر کارکنان یک واحد اقتصادی برقرار می شود (او کونل<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶):

- اثربخشی و کارایی عملیات.
- قابلیت اعتماد گزارشدهی مالی.
- رعایت قوانین و مقررات مربوط.
- تشویق کارکنان به رعایت رویه های واحد تجاری و سنجش میزان رعایت رویه ها.
- حفاظت داراییها در برابر ضایع شدن، سوء استفاده و تقلب.

به طور خلاصه، ساختار کنترل های داخلی شامل کلیه اقداماتی است که به عمل می آید تا مدیریت اطمینان یابد هرچیزی به گونه ای که باید، عمل می کند.

انواع کنترل های داخلی در زیر آمده است:

۱) کنترل های داخلی عملیاتی (اداری)

کنترل هایی هستند که برصورتهای مالی تأثیری ندارند یا تأثیر اندکی دارند و به طور مستقیم مورد توجه حسابرسان مستقل قرار نمی گیرند. این کنترلهای به منظور دستیابی به اهدافی چون کارایی و سودمندی عملیات و رعایت رویه های موردنظر مدیریت در تمام قسمتها و دوایر واحد تجاری استقرار می یابند (هیومین چانگ و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵).

۲) کنترل های داخلی حسابداری (مالی)

<sup>1</sup> O'Connell

<sup>2</sup> Huimin Chung & Et al

کنترل هایی هستند که مستقیماً بر قابلیت اتکای مدارک حسابداری و صورتهای مالی اثر دارند و به منظور دستیابی به اهدافی چون حفاظت داراییها، قابلیت اتکای مدارک حسابداری و تهیه صورتهای مالی قابل اطمینان استقرار می یابند (اینگار و زامپلی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷).

واحدهای اقتصادی به کمک کنترل داخلی می توانند به اهداف عملیاتی و سودآوری خود دست یابند و از اتلاف منابع اقتصادی جلوگیری کنند. به کمک کنترل داخلی از قابلیت اعتماد گزارشدهی مالی و رعایت دقیق قوانین و مقررات (که از آسیب دیدن شهرت و آوازه یک واحد اقتصادی و سایر پیامدها جلوگیری می کند) اطمینان حاصل می شود. در مجموع واحدهای اقتصادی، به کمک کنترل داخلی می توانند به مقاصد و خواسته های خود دست یابند و در طول راه، از خطرات و رویدادهای غیر منتظره دوری کنند (اینگار و زامپلی، ۲۰۱۷).

از سال ها قبل ارزیابی عملکرد شرکت ها بخش عمده ای از مباحث حسابداری، مدیریت و اقتصاد را تشکیل داده است. اصولاً عملکرد با هدف رابطه ای مستقیم دارد. ارزیابی عملکرد یعنی اندازه گیری این مطلب که شرکت تا چه حدی به اهداف تعیین شده در برنامه های خود دست یافته است. نتیجه ای حاصل شده از ارزیابی عملکرد خود هدف نیست بلکه ابزاری است برای پیش بینی برنامه های آتی و نیز بهبود نقاط قوت و برطرف کردن نقاط ضعف می باشد (مهرآذین و همکاران، ۱۳۹۳).

ارزیابی عملکرد شرکت بدون مدنظر قرار دادن ویژگی های تجاری و شرایط حاکم بر بازار کالاها و خدمات آن (سنجش و کنترل داده ها، ستاده ها و فرآیند تولید) و صرف نظر از جایگاهی که شرکت مورد ارزیابی در مجموعه ای نظام و ساختار اقتصادی کشور از آن برخوردار است در خور توجه نخواهد بود. در بحث ارزیابی عملکرد معمولاً این سؤال مطرح می شود که کدام یک از معیارهای ارزیابی عملکرد شرکت ها از اعتبار بیشتری برخوردار است. اصولاً یک شاخص مطلق و ایده آل برای سنجش عملکرد شرکت ها وجود ندارد (چن حال و مورس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵).

عملکرد مالی که جهت تعیین نقاط ضعف و قوت مدیریت شرکت مورد استفاده قرار می گیرد ابزاری است جهت وجود عوارض و علایم موجود در شرکت و نه اصل مسأله و یا مشکل. با استفاده از نسبت های مالی می توان روند تغییرات و نیز ارتباط موجود بین اطلاعات مالی یک شرکت را در دوره های زمانی مختلف با عملکرد مدیریت تهیه و روش های مناسب برای حرکت های مالی آینده ی شرکت را انتخاب کرد (لیونگ و هورویتس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶).

فعالان بازار سرمایه، جهت تخصیص بهینه ی منابع مالی خود نیازمند شناخت درست واحد تجاری می باشند. لذا همواره در جستجوی اطلاعات مرتبط با واحد تجاری هستند تا براساس آن، تصمیم مناسب اتخاذ نمایند (لاری سمنانی و جعفرزاده، ۱۳۹۷).

گزارش گری مالی یکی از منابع اطلاعاتی است که در مورد مؤسسه ی تجاری تصمیم های اقتصادی می گیرند، افرادی که از اطلاعات مالی استفاده می کنند باید اطلاعات تهیه شده به وسیله ی گزارش گری مالی را با اطلاعات مرتبطی که از سایر منابع به دست می آورند، ترکیب نمایند تا تصمیمات مناسبی را اتخاذ کنند (زوریگات<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷).

مدیران در گزارش گری عملکرد مالی خود از میزانی انعطاف پذیری و آزادی عمل برخوردارند و ممکن است از آن به طور فرصت طلبانه برای مدیریت سوء استفاده کنند (او کونل<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶).

سنجش عملکرد، جزء اصلی فرآیند کسب و کار و وظایف مدیریت است که در نظام های کنترلی مد نظر قرار می گیرد. ارزیابی عملکرد، پیش نیازی در جهت تخصیص منابع و مقایسه مبالغ پیش بینی و واقعی است هم چنین از نتایج آن،

<sup>1</sup> Iyengar and Zampelli

<sup>2</sup> Chenhall and Moers

<sup>3</sup> Liuong and Hourvitse

<sup>4</sup> Zureigat

<sup>5</sup> O'Connell

میتوان جهت جبران خدمت نیز استفاده نمود. انجام دقیق، مؤثر و کارآمد ارزیابی و سنجش عملکرد، نیازمند شناسایی و به کارگیری معیارهای مالی و غیر مالی سنجش عملکرد است (هاگارد و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶).

اندیشمندان مدیریت، معیارهای عملکرد را در ابعاد مختلف طبقه‌بندی نموده اند که از جمله آنها می‌توان به نظریه فوستن اشاره کرد وی ابعاد عملکرد را در پنج بعد مهم دسته بندی کرده و شاخص های مهم سنجش آنرا نیز معرفی نمود (آقایی و چالاک، ۱۳۹۳):

بعد رقابت: شاخص سنجش آن عبارت از سهم بازار، رشد فروش و... است.

عملکرد مالی: شاخص سنجش آن عبارت از سودآوری، نقدینگی، کارایی، ساختار یا بافت مالی است.

کیفیت خدمات: شاخص سنجش آن عبارت از سهولت دسترسی، امکانات، تضمین‌ها، ارتباطات و... است.

انعطاف پذیری: شاخص سنجش آن عبارت از میزان انعطاف‌پذیری، انعطاف پذیری در سرعت و... است.

نوآوری: شاخص سنجش آن عملکرد فرآیند نوآوری، عملکرد نوآوری فردی، توان تحقیق و توسعه و... است.

نورتون و کاپلان نیز با معرفی سیستم ارزیابی متوازن به عنوان شاخص سنجش عملکرد، مجموعه معیارها را در چهار بعد به صورت جامع معرفی کرده اند که تحولی قابل ملاحظه در ادبیات سنجش عملکرد به صورت علمی و کاربردی آن به صورت عملی ایجاد نموده است. این معیارهای سنجش جامع عملکرد را می‌توان به شرح زیر برشمرد (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۹):

معیارهای مالی و سودآوری: شاخص سنجش آن سود عملیاتی و رشد درآمدی است.

معیارهای رضایتمندی مشتریان: شاخص سنجش آن، سهم بازار، پاسخگویی به مشتریان و انجام به موقع عملیات است.

معیارهای کارایی، کیفیت و زمان (انحراف).

معیارهای نوآوری و یادگیری، نظیر تعداد اختراعات و نسبت آموزش. در بخش عملی معیارها می‌توان گفت که معیارهای مالی سنجش عملکرد به دلیل کمی بودن، عینی بودن و قابل لمس بودن نسبت به معیارهای غیرمالی ارجحیت دارد.

### پیشینه ی پژوهش

بی آتریز گارسیا اسما<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر مدیریت سیستم‌های حسابداری و کنترل بر ارتباط بین مدیریت سود و عملکرد آینده شرکت پرداخته اند. این تحقیق بر روی ۳۵۰ شرکت از بورس مادرید انجام شده و روش آماری تحقیق از طریق آزمون رگرسیون چندگانه می باشد. نتایج تحقیق نشان داد مدیریت سود موجب کاهش عملکرد آتی شرکت می شود و سیستم‌های کنترل داخلی حسابداری موجب کاهش این رابطه می گردد.

دی آنتی و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آینده شرکت در بورس اندونزی پرداخته اند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل بر مدیریت سود واقعی اثری ندارد. نتایج دیگر این تحقیق حاکی از آن است که اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و مدیریت سود واقعی تأثیر منفی بر عملکرد آینده شرکت دارد.

دینگ و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر مالکیت دولتی و مدیریت سود واقعی بر عملکرد آتی شرکت‌های چینی بین سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۲ پرداخته اند. نتایج پژوهش نشان داد که از لحاظ سیاسی شرکت های دولتی بیشتر از شرکت های غیر دولتی، درگیر فعالیت های واقعی برای دستکاری سود هستند. علاوه بر این توسعه اقتصادی منطقه ای،

<sup>1</sup> Haggard & Et al

<sup>2</sup> Beatriz grcia osma

<sup>3</sup> Dee Anthonio and et al

<sup>4</sup> Ding and et al

رابطه بین مالکیت دولتی و مدیریت سود واقعی و عملکرد شرکت را تعدیل می کند. نتایج حاکی از آن است که مالکیت دولتی تاثیر مثبتی بر عملکرد شرکت دارد.

باسم الشطرت و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) در تحقیقی به بررسی تاثیر مدیریت سود غیر واقعی بر معیارهای عملکرد آتی شرکت پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان داد مدیریت سود غیر واقعی بر معیارهای عملکرد آتی شرکت تأثیر مستقیمی دارد. نتایج نشان داد که دستکاری فعالیت های عملیاتی از جمله فروش، مخارج اختیاری و هزینه های تولید برای برآورده شدن معیار های سود نتیجه مثبتی برای عملکرد عملیاتی بعدی شر عباسپور و موسوی شیری (۱۳۹۷) در تحقیقی به بررسی نقش وابستگی دولتی بر ارتباط بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکتهای پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان می دهد وابستگی دولتی تاثیر منفی معناداری بر مدیریت سود واقعی شرکتهای دارد. همچنین نتایج این تحقیق نشان می دهد مدیریت سود واقعی بر عملکرد آتی شرکت ها تاثیر مثبت معناداری دارد. ضمناً نتایج پژوهش حاکی از تاثیر مثبت و معنادار مالکیت دولتی بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکتهای با معیار جریان نقد عملیاتی آتی و عدم تاثیر معنادار مالکیت دولتی بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی با معیار حقوق صاحبان سهام شرکتهای دارد. شرکت هایی که وابستگی دولتی دارند، این مالکیت بر عرضه و تقاضا شرکت ها تاثیر گذار می باشد و مدیران دولتی از طریق مناسبات سیاسی، ریسک مربوط به شرکت ها را تحت تاثیر قرار می گیرد. دخالت دولت در این شرکت ها معمولاً منجر به عدم کارائی آنها می شود. از طرفی، مالکیت و وابستگی دولتی موجب دریافت رانت های اطلاعاتی و سایر مزایای اقتصادی برای شرکت ها می شود.

صالحی (۱۳۹۷) در تحقیقی به بررسی تاثیر ویژگی های مدیر عامل بر میزان مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته اند. نتایج تحلیل ها نشان می دهد که ویژگی های مدیرعامل بر میزان مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر مستقیم و معناداری دارد.

آروند و میر (۱۳۹۷) در تحقیقی به بررسی مدیریت سود بر عملکرد آتی شرکت های خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته اند. نتایج به دست آمده نشان داد مالکیت خانوادگی رابطه یو (U) شکلی با معیارهای مدیریت واقعی سود (جریان نقد عملیاتی غیر عادی، هزینه های اختیاری غیرعادی، تولید غیرعادی، مجموع جریان نقد عملیاتی غیرعادی و هزینه های اختیاری غیرعادی و مجموع هزینه های غیرعادی و تولید غیرعادی) دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان می دهد که تاثیر معیارهای مدیریت واقعی سود (جریان نقد عملیاتی غیر عادی، هزینه های اختیاری غیرعادی، تولید غیرعادی، مجموع جریان نقد عملیاتی غیرعادی و هزینه های اختیاری غیرعادی و مجموع هزینه های اختیاری غیرعادی و تولید غیرعادی) بر عملکرد مالی در شرکت های خانوادگی نسبت به شرکتهای غیرخانواده تفاوت معناداری وجود دارد.

سید نژاد فهیم و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی به بررسی ارتباط بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت پرداخته اند. نتایج نشان میدهد که مدیریت سود زمانی رخ می دهد که مدیران برای گزارشگری مالی و ساختار معاملات، با هدف تغییر در گزارش های مالی، قضاوت خود را به کار می گیرند تا برخی از ذینفعان را در مورد عملکرد اقتصادی شرکت گمراه کنند یا بر نتایج قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارد، اثر بگذارند.

دریایی و شهرابی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی نقش تعدیل گر مالکیت دولتی بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت پرداخته اند. نتایج پژوهش، بیانگر تاثیر منفی معنادار مالکیت دولتی بر مدیریت سود واقعی شرکت ها

<sup>1</sup> Basime al-shatrrarat

و تاثیر مثبت معنادار مدیریت سود واقعی بر عملکرد آتی شرکت ها می باشد. همچنین در این تحقیق تاثیر متغیر مالکیت دولتی بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت مورد بررسی قرار گرفت. نتایج، بیانگر تاثیر مثبت و معنادار مالکیت دولتی بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت ها با پراکسی جریان نقد عملیاتی آتی بوده است. همچنین مالکیت دولتی اثر معناداری بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی با پراکسی حقوق صاحبان سهام شرکت ها ندارد.

منصورفر و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تاثیر نقش تعدیل گری بیش اطمینانی مدیریت در ارتباط بین مدیریت واقعی سود افزایی و عملکرد آتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته اند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها نشان می دهد که در بلند مدت (بعد از گذشت دو سال)، اثر تعدیل کنندگی مدیریت واقعی سودافزایی و بیش اطمینانی مدیریت تاثیر منفی و معناداری بر عملکرد آتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار دارد.

شمس زاده و الماسی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی نقش هموارسازی سود بر پیش بینی عملکرد آتی شرکت های بورس اوراق بهادار تهران پرداخته اند. نتایج نشان می دهد، هموار سازی سود تاثیر منفی و معناداری بر پایداری سود دارد. اما تاثیر معناداری بر سیاستهای تقسیم سود ندارد. این یافته ها بدان معناست که هموارسازی سود با قصد ارائه اطلاعات مفید صورت نمی گیرد و در جهت پیش بینی سود و تقسیم سودهای آتی نیست.

مشایخی و عظیمی (۱۳۹۵) در تحقیقی به بررسی تاثیر توانایی های مدیریت، به عنوان متغیر تعدیل کننده بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته اند. نتایج پژوهش نشان می دهد بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت رابطه منفی وجود دارد و توانایی های مدیریت این رابطه منفی را کاهش نمی دهد. کت ها دارد و عملکرد خوب آینده شرکت را نشان می دهد.

### فرضیه های پژوهش

۱. مدیریت سود بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت تاثیر دارد.
۲. سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت تاثیر دارد.
۳. سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی بر رابطه بین مدیریت سود و بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت تاثیر دارد.

### روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف یک پژوهش کاربردی است. پژوهش کاربردی عبارت است از فعالیتهایی که با هدف کاربرد و استفاده عملی از دانش و یا تئوریهای عملی انجام می شود. بنابراین یافته های حاصل از این پژوهش می تواند در سایر بخش ها نیز مورد استفاده واقع گردد. از نظر روش گردآوری داده های مورد نیاز یک پژوهش توصیفی - همبستگی است و چون به بیان روابط علت و معلولی بین متغیرهای پژوهش می پردازد از نوع علی پس از وقوع می باشد. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد که تعداد ۶۱۲ شرکت می باشند. از آن جایی که جوامع آماری معمولاً از حجم و وسعت جغرافیایی زیادی برخوردارند و محققان نمی توانند به تمام آنها مراجعه کنند، بنابراین ناگزیرند به انتخاب جمعی از آنها به عنوان نمونه و تعمیم نتایج آن به جامعه مورد مطالعه اکتفا کنند (حافظنیا، ۱۳۸۴).

در پژوهش حاضر از روش (غربالگری) استفاده گردیده است که از جامعه‌ی آماری مورد نظر، شرکت‌ها توجه به شرایط و محدودیت‌های زیر انتخاب گردیده است:

### جدول (۱): تعیین حجم نمونه آماری

تعداد	شرح
۶۱۲	تعداد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تا پایان سال ۱۳۹۷
(۱۸۵)	تعداد شرکتهایی که در قلمرو زمانی ۹۳ تا ۹۸ در بورس فعال نبوده اند.
(۱۲۸)	تعداد شرکتهایی که بعد از سال ۱۳۹۳ در بورس پذیرفته شده اند.
(۸۶)	تعداد شرکتهایی که در قلمرو زمانی تغییر سال مالی داده یا سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند نباشد.
(۵۴)	تعداد شرکتهایی که جزء بانکها، بیمه ها و مؤسسات سرمایه گذاری و شرکتهای هلدینگ بوده اند.
۱۵۹	تعداد شرکتهای نمونه

بعد از مد نظر دادن کلیه معیارهای بالا، تعداد ۱۵۹ شرکت به عنوان جامعه غربالگری شده باقی مانده است که تمامی آنها به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده اند. بنابراین مشاهدات ما طی بازه زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ به ۷۹۵ سال شرکت (سال \*۶ ۱۵۹ شرکت) می رسد.

### مدل و متغیرهای پژوهش

مدلهای رگرسیونی آزمون فرضیه ها به صورت زیر می باشد:

$$ROAt + 1 = \alpha_0 + \beta_1EM + \beta_2FL + \beta_3SIZE + \beta_4ACC + \varepsilon$$

$$ROAt + 1 = \alpha_0 + \beta_1EM + \beta_2EM * MO + \beta_3FL + \beta_4SIZE + \beta_5ACC + \varepsilon$$

$$ROAt + 1 = \alpha_0 + \beta_1EM + \beta_2INAU + \beta_3EM * INAU + \beta_4FL + \beta_5SIZE + \beta_6ACC + \varepsilon$$

که در آن:  $ROAt+1$  = عملکرد آتی شرکت،  $EM$  = مدیریت سود،  $INAU$  = وجود حسابرس داخلی،  $FL$  = اهرم مالی،  $SIZE$  = اندازه شرکت،  $ACC$  = نسبت اقلام تعهدی،

### الف) متغیر وابسته: عملکرد آتی شرکت

**تعریف مفهومی:** عملکرد به معنی راندمان، فعل، کارکرد، میزان کار و نتیجه است. عملکرد شاخص کلیدی است که به سازمان ها کمک می کند تا فرایند دست یابی به سازمان را تعریف و اندازه گیری کنند. منظور از سنجش عملکرد آتی شرکت ها، ارزیابی کلی از وضعیت مالی و نتایج عملیات به منظور اخذ تصمیمات منطقی است (اسمعیل پورتراجی و همکاران، ۱۳۹۴).

**تعریف عملیاتی:** نرخ بازده داراییها شرکت در سال  $t+1$  معیار سنجش عملکرد آتی شرکت می باشد. نرخ بازده داراییها از تقسیم سود خالص به کل داراییها به دست می آید (اسمعیل پورتراجی و همکاران، ۱۳۹۴).

### ب) متغیر مستقل: مدیریت سود

**تعریف مفهومی:** با توجه به این که صورت های مالی اطلاعات مربوط و با ارزشی را برای گروه های برون سازمانی فراهم می کند، اتکای شدید بر اعداد حسابداری و به ویژه سود، انگیزه های قدرتمندی را برای مدیران ایجاد می کند تا سود را به نفع خودشان دستکاری کنند. مدیریت سود، الزاماً عملکرد واقعی شرکت را منعکس نمی کند و ممکن است

منجر به ارائه اطلاعات نادرستی در مورد شرکت شود و در نتیجه باعث قضاوت نادرست سهامداران و سرمایه گذاران در مورد عملکرد شرکت شود که به این امر مدیریت سود می گویند (آمارجیت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳).

**تعریف عملیاتی:** در این پژوهش ارقام تعهدی اختیاری به عنوان جانشین متغیر مدیریت سود مورد استفاده قرار می گیرد (دهدار و قوی اندام، ۱۳۹۵).

ارقام تعهدی اختیاری اقلامی است که مدیریت بر آنها کنترل دارد و می تواند آنها را به تاخیر اندازد و یا حذف کند و یا ثبت و شناسایی آنها را تسریع کند. از آن جایی که ارقام تعهدی اختیاری در اختیار و قابل اعمال نظر توسط مدیریت است، از تعهدی های اختیاری به عنوان شاخصی در کشف مدیریت سود استفاده می شود (حقیقت و اسدالهی، ۱۳۹۰). بنابراین در این پژوهش از الگوی تعدیل شده جونز برای بررسی مدیریت سود استفاده شده است. در الگوی یادشده در اولین قدم ارتباط مجموع ارقام تعهدی برای یک دوره زمانی مشخص که به دوره رویداد معروف است با متغیرهای فروش، ناخالص اموال و ماشین آلات و تجهیزات به شرح زیر برآورد می شود (مهام و بک محمدی، ۱۳۹۵):

$$\frac{TA_{it}}{A_{i(t-1)}} = \alpha_1 \left( \frac{1}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_2 \left( \frac{\Delta REV_{it}}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_3 \left( \frac{PPE_{it}}{A_{i(t-1)}} \right) + \varepsilon_{it}$$

در این رابطه TA معرف مجموع ارقام تعهدی است که به صورت زیر قابل محاسبه است:

$$TA_{it} = (\Delta CA_{it} - \Delta CASH_{it}) - (\Delta DCL_{it} - \Delta STD_{it}) - DEP_{it}$$

در معادله فوق متغیرها به شرح زیر هستند:

$\Delta CA_{it}$ : تغییر در داراییها جاری سالجاری نسبت به سال قبل.

$\Delta CASH_{it}$ : تغییر در وجه نقد سال جاری نسبت به سال قبل.

$\Delta DCL_{it}$ : تغییر در بدهی های سالجاری نسبت به سال قبل.

$\Delta STD_{it}$ : تغییر در حصه کوتاه مدت بدهی های بلند مدت سالجاری نسبت به سال قبل.

$DEP_{it}$ : هزینه استهلاک داراییها مشهود و نامشهود سال جاری.

همچنین،  $A_{i(t-1)}$  مجموع داراییها شرکت در سال قبل،  $\Delta REV_{it}$  تفاوت فروش سالجاری نسبت به سال قبل و  $PPE_{it}$  اموال، ماشین آلات و تجهیزات ناخالص و  $\varepsilon_{it}$  خطای برآورد و  $\alpha_1$ ،  $\alpha_2$  و  $\alpha_3$  پارامترهای خاص شرکت است. پس از تخمین پارامترهای الگوی شماره (۱)، ارقام تعهدی غیراختیاری (NDA) به شرح زیر برای دوره برآورد محاسبه می گردند.

$$NDA_{it} = \alpha_1 \left( \frac{1}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_2 \left( \frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_3 \left( \frac{PPE_{it}}{A_{i(t-1)}} \right)$$

در مدل فوق  $\Delta REC_{it}$  معرف تغییر در خالص حساب های دریافتی سال جاری نسبت به سال قبل است. در مرحله آخر ارقام تعهدی اختیاری (DA) به شرح زیر محاسبه می شود:

$$DA_{it} = \frac{TA_{it}}{A_{i(t-1)}} - NDA_{it}$$

### ج) متغیر تعدیل گر: سیستمهای کنترل داخلی شرکت

منظور از سیستمهای کنترل داخلی شرکت؛ وجود واحد حسابرس داخلی بیش از ۵ سال در شرکت می باشد.

<sup>1</sup> Amarjit

## واحد حسابرسی داخلی

**تعریف مفهومی:** کنترل بر گزارشگری مالی و گزارش نقاط ضعف بااهمیت کنترل داخلی طبق بیانیه سازمان بورس اوراق بهادار تهران و طراحی یک سیستم کنترل داخلی اثر بخش جهت پیشبرد اهداف خرد و کلان شرکت دارای اهمیت می باشد. در بیشتر موارد ضعفهای کنترل داخلی که توسط حسابرس گزارش می شود، در نامه مدیریت آورده می شود و به مدیریت ابلاغ می شود اما بین ضعف هایی که در نامه مدیریت وجود دارد با ضعف هایی که در گزارش حسابرس و بازرسی قانونی افشا می شود تفاوتی وجود دارد. نوع دوم ضعفها؛ ضعف های بااهمیت کنترل داخلی هستند که بدلیل اهمیتشان در متن گزارش حسابرس افشا می شوند. نامه مدیریت اختیاری است و شکل استاندارد مشخص ندارد ولی گزارش موارد با اهمیت ساختار کنترل داخلی منطبق بر استاندارد حسابرسی است و علاوه بر موارد ذکر شده عمدتاً با دو هدف زیر تهیه می شود: ۱- بهبود روابط با مدیریت، ۲- پیشنهاد خدمات مالیاتی و مدیریتی که موسسات حسابرسی قادر به ارائه آن هستند (گمراوی و همکاران، ۱۳۹۵).

**تعریف عملیاتی:** واحد کنترل داخلی یک متغیر ساختگی است، مطابق با پژوهش لی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) در صورتی که شرکت دارای واحد کنترل داخلی بیش از ۵ سال باشد کد ۱ و در غیر این صورت صفر می گیرد (ساعدی و دستگیر، ۱۳۹۶).

## د) متغیرهای کنترلی

### اهرم مالی

**تعریف مفهومی:** اهرم مالی نسبت رابطه منابع مالی مورد استفاده واحد تجاری را از لحاظ بدهی ها یا حقوق صاحبان سهام تعیین و ارزیابی می کند و در واقع نحوه ترکیب آنها را بررسی می نماید (مشایخی و عظیمی، ۱۳۹۵).

**تعریف عملیاتی:** در این پژوهش، برای اندازه گیری اهرم مالی شرکت از تقسیم ارزش دفتری بدهیهای بلندمدت بر کل داراییها استفاده می شود (مشایخی و عظیمی، ۱۳۹۵).

$$FL=BV/TOTL\ ASSETS$$

BV= ارزش دفتری بدهیهای بلند مدت

### اندازه شرکت:

**تعریف مفهومی و عملیاتی:** اندازه شرکت از طرق مختلفی مانند داراییها محاسبه می شود که در این پژوهش از طریق داراییها محاسبه شده است. یعنی لگاریتم نپری کل داراییها به عنوان معیار سنجش اندازه شرکت می باشد (عباسپور و موسوی شیری، ۱۳۹۷).

$$\text{کل داراییها} = \log(\text{اندازه شرکت})$$

### نسبت اقلام تعهدی

**تعریف مفهومی:** اقلام تعهدی اقلامی هستند که شامل موارد نقدی در صورتهای مالی نمی شوند و مواردی هستند که می توانند در معرض دستکاری توسط مدیران قرار گیرند مانند هزینه استهلاک (چن و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴).

<sup>1</sup> Lee and et al

<sup>2</sup> Chen and et al



**تعریف عملیاتی:** کل ارقام تعهدی ( $TA_{i,t}$ ) از تفاوت میان سود قبل از ارقام غیرمترقبه ( $EARN_{i,t}$ ) و جریانهای نقد حاصل از فعالیتهای عملیاتی ( $CFO_{i,t}$ ) بدست می آید. کل ارقام تعهدی تقسیم بر کل داراییها نشانگر نسبت ارقام تعهدی می باشد (شمس زاده و الماسی، ۱۳۹۷).

### یافته های پژوهش

پس از جمع آوری داده ها، با استفاده از تکنیک های آمار توصیفی به توصیف داده ها پرداخته می شود. در این راستا از محاسبه شاخص های مرکزی و پراکندگی از قبیل: میانگین، میانه، مد، انحراف معیار، واریانس، چولگی، کشیدگی، حداقل و حداکثر استفاده می شود.

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	چولگی	کشیدگی
بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت	۷۹۵	۰/۲۵۴۹	۰/۱۶۷۲	۰/۰۱۰۹	۰/۵۱۵۹	۳/۱۲۳	۴/۸۹۰
مدیریت سود	۷۹۵	۰/۲۲۱۸	۰/۱۸۹۳	۰/۱۷۸۴	۰/۴۷۳۲	۱/۶۳۲	۵/۱۷۹
وجود حسابرس داخلی	۷۹۵	۰/۲۶۳۷	۰/۲۴۱۱	۰/۱۲۵۳	۰/۷۹۳۲	۰/۶۶۶	۰/۵۵۳۱
نسبت ارقام تعهدی	۷۹۵	۰/۲۱۵۴	۰/۱۲۵۲	۰/۰۴۵۲	۰/۶۹۱۹	۲/۰۰۳	۱/۲۱۲
اندازه شرکت	۷۹۵	۱۲/۱۲۱۸	۲/۰۵۳۶	۹/۵۱۰۷	۱۷/۲۹۶۵	۴/۰۰۲	۳/۲۱۱
اهرم مالی	۷۹۵	۰/۵۹۲۴	۰/۱۳۰۴	۰/۳۳۱۶	۰/۶۴۸۲	۲/۳۳۷	۲/۱۷۲

با توجه به نگاره ۲، میانگین بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت های نمونه برابر با ۰/۲۵۴۹ بوده و کمترین و بیشترین مقدار آن به ترتیب برابر با ۰/۰۱۰۹ و ۰/۵۱۵۹ می باشد. بررسی میزان چولگی و کشیدگی متغیرهای وابسته که بایستی به ترتیب ۰ و ۳ باشد تا متغیر دارای توزیع نرمال باشد، به نظر می رسد که این متغیرها دارای توزیع نرمال نیستند. با توجه به نگاره ۲، آماره توصیفی متغیرهای تحقیق؛ بالاترین میانگین مربوط به متغیر اندازه شرکت و کمترین میانگین مربوط به متغیر نسبت ارقام تعهدی می باشد. بالاترین انحراف معیار مربوط به متغیر اندازه شرکت و کمترین انحراف معیار مربوط به متغیر نسبت ارقام تعهدی می باشد.

### آزمون نرمال بودن توزیع متغیر وابسته تحقیق

در انجام این تحقیق به منظور تخمین پارامترهای مدل از روش حداقل مربعات معمولی استفاده می گردد و این روش بر این فرض استوار است که متغیر وابسته تحقیق دارای توزیع نرمال باشد، به طوری که توزیع غیر نرمال متغیر وابسته منجر به تخطی از مفروضات این روش برای تخمین پارامترها شده و نتایج درستی را ارائه نمی دهد. از این رو در ادامه لازم است، نرمال بودن توزیع این متغیر مورد آزمون قرار گیرد. نرمال بودن باقیمانده های مدل رگرسیونی یکی از فرض هایی رگرسیونی است که نشان دهنده اعتبار آزمون های رگرسیونی است، بنابراین نرمال بودن متغیرهای وابسته به نرمال بودن باقیمانده های مدل (تفاوت مقادیر برآوردی از مقادیر واقعی) می انجامد. پس لازم است نرمال بودن متغیر وابسته قبل از

برآورد پارامترها کنترل شود و در صورت برقرار نبودن این شرط راه حل مناسبی برای نرمال نمودن آن‌ها (از جمله تبدیل نمودن آن) اتخاذ نمود. در این مطالعه این موضوع از طریق آماره کولموگروف-اسمیرنوف<sup>۱</sup> (K-S) مورد بررسی قرار می‌گیرد. فرض صفر و فرض مقابل در این آزمون به صورت زیر می‌باشد:

$$\begin{cases} H_0 : Normal Distribution \\ H_1 : Not Normal Distribution \end{cases}$$

اگر سطح اهمیت آماره این آزمون بیشتر از ۰/۰۵ باشد (Prob>.05) فرضیه  $H_0$  مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیر پذیرفته می‌شود. در نگاره ۳ نتایج آزمون K-S برای متغیر عملکرد آتی شرکت‌های نمونه ارائه شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون نرمال بودن متغیر وابسته تحقیق

متغیر	تعداد (N)	آماره (K-S)	سطح اهمیت (Sig)
بازده داراییها (عملکرد آتی)	۷۹۵	۴/۶۱۶	۰/۰۰۰

با توجه به این که برای متغیر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت سطح اهمیت آماره K-S کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرضیه  $H_0$  مبنی بر نرمال بودن توزیع این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و بیان‌گر این است که متغیر وابسته تحقیق از توزیع نرمال برخوردار نمی‌باشند.

نرمال بودن متغیر وابسته، شرط لازم برای مدل‌های رگرسیون است، بنابراین لازم است قبل از آزمون فرضیه‌ها این متغیر نرمال سازی شود. در این پژوهش برای نرمال سازی داده‌ها از تابع لگاریتم استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون K-S بعد از فرآیند نرمال سازی داده‌ها به شرح جدول ۳ می‌باشد.

جدول (۴): نتایج آزمون نرمال بودن متغیر وابسته تحقیق بعد از فرآیند نرمال سازی

متغیر	تعداد (N)	آماره (K-S)	سطح اهمیت (Sig)
بازده داراییها (عملکرد آتی)	۷۹۵	۱/۷۴۶	۰/۰۹۳

با توجه به جدول ۴، از آن جایی که بعد از نرمال سازی داده‌ها سطح اهمیت (Sig.) آماره کولموگروف-اسمیرنوف برای متغیر وابسته بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۱۶۱)، بنابراین فرضیه  $H_0$  در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید شده و بیان‌گر این است که متغیر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت بعد از فرآیند نرمال سازی، دارای توزیع نرمال می‌باشند.

### بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق

در این بخش با استفاده از آزمون همبستگی به بررسی ارتباط متغیرهای تحقیق و همبستگی موجود بین آن‌ها پرداخته می‌شود. ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای تحقیق در جدول ۵ ارائه شده است. براساس نتایج حاصل از آزمون همبستگی، بین متغیرهای وجود حسابرس داخلی و اندازه شرکت با بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت همبستگی مستقیم و معناداری وجود دارد. بین مدیریت سود، نسبت اقلام تعهدی و اهرم مالی با بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت همبستگی معکوس و معنادار وجود دارد.

جدول (۵): آزمون همبستگی

متغیر	عملکرد آتی	مدیریت سود	وجود حسابرس داخلی	نسبت اقلام تعهدی	اندازه شرکت	اهرم مالی
عملکرد آتی	۱	-۰/۱۷۶	۰/۱۱۹	-۰/۳۸۵	۰/۴۸۹	-۰/۱۸۸
		Sig(.000)	Sig(.004)	Sig(.001)	Sig(.021)	Sig(.002)

<sup>1</sup> Kolmogorov-Smirnov

مدیریت سود	۱	۰/۴۴۲ Sig(.118)	۰/۵۲۸ Sig(.199)	۰/۱۸۸ Sig(.201)	-۰/۱۹۹ Sig(.103)
وجود حسابرس داخلی	۱	۰/۲۳۸ Sig(.563)	۰/۴۱۰ Sig(.338)	۰/۳۳۲ Sig(.199)	
نسبت اقلام تعهدی		۱	۰/۵۸۳ Sig(.225)	۰/۱۱۷ Sig(.115)	
اندازه شرکت			۱	۰/۴۷۸ Sig(.173)	
اهرم مالی				۱	

### آزمون پیش فرض های کلاسیک رگرسیون چندگانه

#### الف) بررسی هم خطی میان متغیرهای تحقیق

هم خطی به معنای وجود ارتباط خطی بین متغیرهای توضیحی یا مستقل است. یکی از راه های شناسایی رابطه هم خطی یا عدم هم خطی، بررسی رابطه همبستگی بین متغیرهای مستقل است. در صورتی که همبستگی بین متغیرهای مستقل شدید نباشد، مشکل هم خطی پیش نمی آید. در این مطالعه بررسی رابطه هم خطی بین متغیرهای مستقل با بهره گیری از ضریب همبستگی پیرسون انجام شده است. همان طور که در جدول ۶ مشخص می باشد، متغیرهای مستقل و کنترلی هیچ همبستگی با هم ندارند. بنابراین با توجه به این مطلب مشکل هم خطی میان این متغیرها، وجود ندارد. در ارتباط با سایر متغیرها با توجه به قوی نبودن همبستگی می توان گفت مشکل هم خطی میان آن ها وجود نداشته و ورود همزمان آن ها در مدل موجب ایجاد مشکل هم خطی نخواهد شد. آزمون هم خطی متغیرهای تحقیق به شرح جدول زیر می باشد:

جدول (۶): آزمون هم خطی

متغیرها	مقدار ویژه	شاخص وضعیت
مدیریت سود	۲.۱۲۱	۳.۸۳۲
وجود حسابرس داخلی	۲.۲۱۴	۴.۲۱۷
نسبت اقلام تعهدی	۲.۶۵۸	۵.۷۷۳
اندازه شرکت	۲.۷۸۹	۵.۹۸۸
اهرم مالی	۳.۲۱۸	۶.۹۸۳

همان گونه که مشاهده می نماید؛ مقادیر ویژه نزدیک به صفر همبستگی داخلی پیش بینی ها زیاد است و تغییرات کوچک در مقادیر داده ها، منجر به تغییرات بزرگ در برآورد ضریب معادله رگرسیون منجر می شود. مقادیر ویژه نشان دهنده احتمال همبستگی داخلی بین متغیرها می باشد.

شاخص وضعیت با بیشتر از ۱۵ نشان دهنده احتمال هم خطی بین متغیرهای مستقل و کنترلی است و مقادیر بیش از ۳۰ بیانگر مشکل جدی در استفاده از رگرسیون در وضعیت موجود می باشد (حساس یگانه و دیگران، ۱۳۸۸). از طرفی تمامی شاخص های وضعیت کوچکتر از ۱۵ می باشند که نشان دهنده عدم وجود هم خطی بین متغیرهای مستقل و کنترلی است

#### ب) سایر مفروضات

در این بخش، برای فرضیه های تحقیق ابتدا الگوی لازم برای تخمین مدل تعیین گردیده و سپس مدل تحقیق برآورد و نتایج حاصل از آن تفسیر می شود. همچنین برای فرضیات؛ مفروضات آماری مربوط به آن شامل بررسی نرمال بودن

باقیمانده‌ها، همسان بودن واریانس باقیمانده‌ها، استقلال باقیمانده‌ها و خطی بودن مدل همراه با توضیحات و نتایج حاصل از آن ارائه می‌گردد.

برای این که بتوان مشخص نمود که آیا استفاده از روش داده‌های پانل در برآورد مدل مورد نظر کارآمد خواهد بود یا نه، از آزمون چاو یا F مقید و به منظور این که مشخص گردد کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) جهت برآورد مناسب‌تر است (تشخیص ثابت یا تصادفی بودن تفاوت‌های واحدهای مقطعی) از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتایج حاصل از این آزمون‌ها در نگاره ۷، ۸، ۹ ارائه شده است.

جدول (۷): نتایج آزمون چاو و هاسمن مدل اول

آزمون	تعداد	آماره	مقدار آماره	درجه آزادی	P-Value
چاو	۷۹۵	F	۳/۰۹۳۲	۳	۰/۰۰۰۰
هاسمن	۷۹۵	$\chi^2$	۳/۰۷۰۵	۳	۰/۰۰۰۰

جدول (۸): نتایج آزمون چاو و هاسمن مدل دوم

آزمون	تعداد	آماره	مقدار آماره	درجه آزادی	P-Value
چاو	۷۹۵	F	۴/۹۳۲۴	۴	۰/۰۰۰۰
هاسمن	۷۹۵	$\chi^2$	۴/۱۴۳۷	۴	۰/۰۰۰۰

جدول (۹): نتایج آزمون چاو و هاسمن مدل سوم

آزمون	تعداد	آماره	مقدار آماره	درجه آزادی	P-Value
چاو	۷۹۵	F	۵/۱۸۷۳	۵	۰/۰۰۰۰
هاسمن	۷۹۵	$\chi^2$	۷/۲۱۴۳	۵	۰/۰۰۰۰

با توجه به نتایج آزمونهای چاو و P-Value آن؛ فرضیه  $H_0$  آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و بیان‌گر این است که می‌توان از روش داده‌های پانل استفاده نمود.

همچنین با توجه به نتایج آزمونهای هاسمن و P-Value آن که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرضیه  $H_0$  آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و فرضیه  $H_1$  پذیرفته می‌شود. لذا لازم است مدل‌های تحقیق با استفاده از روش اثرات ثابت برآورد شود.

برای سنجش اعتبار مدل و بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک لازم است علاوه بر بررسی عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل وارد شده در مدل، آزمون‌هایی در ارتباط با نرمال بودن باقیمانده‌ها، همسانی واریانس‌ها، استقلال باقیمانده‌ها و عدم وجود خطای تصریح مدل (خطی بودن مدل) نیز انجام شود. برای آزمون نرمال بودن جملات خطا از آزمون‌های مختلفی می‌توان استفاده کرد.

یکی از آزمون‌ها، آزمون جارکیو- برا می‌باشد که در این تحقیق نیز از این آزمون استفاده شده است. نتایج آزمون جارکیو- برا حاکی از این است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل تحقیق در سطح اطمینان ۹۵٪ از توزیع نرمال برخوردار هستند، به طوری که احتمال مربوط به این آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد.

یکی دیگر از مفروضات آماری رگرسیون کلاسیک همسانی واریانس باقیمانده‌ها می‌باشد. در صورتی که واریانس‌ها ناهمسان باشند برآورد کننده خطی ناریب بوده و کم‌ترین واریانس را نخواهد داشت. در این مطالعه برای بررسی همسانی واریانس‌ها از آزمون برش پاگان استفاده شده است. با توجه به سطح اهمیت این آزمون که کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرضیه صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس رد شده و می‌توان گفت مدل دارای مشکل ناهمسانی واریانس می‌باشد. در این مطالعه برای رفع این مشکل در برآورد از روش برآورد حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است.

همچنین در این مطالعه برای آزمون همبسته نبودن باقیمانده‌ها که یکی از مفروضات تجزیه و تحلیل و تحلیل رگرسیون می‌باشد و خود همبستگی نامیده می‌شود از آزمون دوربین واتسون (D-W) استفاده شده است. با توجه به نتایج اولیه برآورد مدل مقدار آماره دوربین واتسون از آن جایی که مابین ۱/۵ و ۲/۵ می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت باقیمانده‌ها مستقل از هم می‌باشند.

علاوه بر این، برای آزمون این که مدل دارای رابطه خطی است و این که آیا مدل موردنظر تحقیق از نظر رابطه خطی بودن و یا غیر خطی بودن درست تبیین شده است یا خیر از آزمون رمزی استفاده گردیده است. با توجه به این که سطح اهمیت آزمون رمزی بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرضیه صفر این آزمون مبنی بر خطی بودن مدل تأیید شده و مدل دارای خطای تصریح نمی‌باشد. خلاصه نتایج آزمون‌های فوق در جدول ۱۰، ۱۱، ۱۲ ارائه شده است.

جدول (۱۰): نتایج آزمون‌های مربوط به مفروضات آماری مدل اول

آماره Ramsey		آماره Durbin-Watson		آماره Breusch-Pagan		آماره Jarque-Bera	
P-Value	F	D	P-Value	F	P-Value	$\chi^2$	
۰/۶۲۳۸	۱/۴۷۲۲	۲/۴۲۱	۰/۰۰۰	۴/۰۸۴۵	۰/۳۴۱۲	۱/۳۴۳۵	

جدول (۱۱): نتایج آزمون‌های مربوط به مفروضات آماری مدل دوم

آماره Ramsey		آماره Durbin-Watson		آماره Breusch-Pagan		آماره Jarque-Bera	
P-Value	F	D	P-Value	F	P-Value	$\chi^2$	
۰/۳۲۳۸	۱/۶۹۱۸	۲/۱۷۶	۰/۰۰۰	۵/۳۲۵۴	۰/۰۷۳۲	۱/۱۷۶۸	

جدول (۱۲): نتایج آزمون‌های مربوط به مفروضات آماری مدل سوم

آماره Ramsey		آماره Durbin-Watson		آماره Breusch-Pagan		آماره Jarque-Bera	
P-Value	F	D	P-Value	F	P-Value	$\chi^2$	
۰/۰۸۳۲	۱/۸۰۳	۱/۹۸۳	۰/۰۰۰	۷/۱۹۸۷	۰/۲۱۶۵	۱/۵۹۲	

## آزمون فرضیه اول

فرضیه اول تحقیق به بررسی تأثیر مدیریت سود بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت می‌پردازد.

$$H_0: \beta = 0$$

$H_0$  = مدیریت سود بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکتها تأثیر معناداری ندارد.

$$H_1: \beta \neq 0$$

$H_1$  = مدیریت سود بر عملکرد آتی شرکتها تأثیر معناداری دارد.

نتیجه حاصل از آزمون فرضیه اول تحقیق در جدول رگرسیون زیر آورده شده است.

جدول (۱۳): نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره فرضیه اول

نوع متغیر	نماد	نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی‌دار
متغیر وابسته	ROAt+1	بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت	-	-	-
مقدار ثابت	$\alpha$	آلفا	-۱/۷۴۴	-۲/۶۴۸	۰/۰۲۵
متغیرهای مستقل	EM	مدیریت سود	-۰/۴۴*	-۲/۷۸۸	۰/۰۱۹
	FL	اهرم مالی	-۰/۵۸۷*	-۲/۸۵۴	۰/۰۰۹

متغیرهای کنترل	SIZE	اندازه شرکت	۰/۶۲۷	۴/۷۹۵	۰/۰۰۰
	ACC	نسبت اقلام تعهدی	-۰/۳۸۵	-۴/۱۹۸	۰/۰۰۰
		دوربین واتسون	۲/۴۲۱	—	—
		آماره F	۸/۷۴۲	—	۰/۰۰۰
	R Square	ضریب تعیین	۰/۵۹۷	—	—
	Adjusted R Square	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۹۵	—	—

\*: سطح معنی داری برابر با ۰/۰۵ می باشد.

همانگونه که این جدول نشان می دهد، از آنجایی که سطح معناداری متغیرهای مدیریت سود، اهرم مالی، اندازه شرکت و نسبت اقلام تعهدی کمتر از ۰/۰۵ می باشد؛ بنابراین این متغیرها بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت تأثیر معناداری دارند. با توجه به ضریب متغیرها؛ اندازه شرکت بر بازده داراییها (عملکرد آتی)، مستقیم و معنادار است و تأثیر مدیریت سود، اهرم مالی و نسبت اقلام تعهدی بر بازده داراییها (عملکرد آتی)، معکوس و معنادار است. با توجه به اینکه سطح معناداری آماره F کمتر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۰۰۰)؛ بنابراین الگوی رگرسیون برازش (محاسبه) شده معنادار است و با توجه به ضریب تعیین، این متغیرها ۵۹/۷ درصد از تغییرات بازده داراییها (عملکرد آتی) را توضیح می دهند.

آماره دوربین واتسون نیز چون بین ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد (۲/۴۲۱)، پس می توان نتیجه گیری کرد که بین جملات خطا در معادله رگرسیون، مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

با توجه به جدول ۱۳ از آنجایی که سطح معناداری متغیر مدیریت سود کمتر از ۵ درصد می باشد (۰/۰۱۹)؛ بنابراین تأثیر مدیریت سود بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکتها معنادار می باشد و با توجه به ضریب بدست آمده (۰/۴۴۰-) این تأثیر معکوس می باشد.

منفی بودن ضریب متغیر مدیریت سود (۰/۴۴۰-) حاکی از تأثیر معکوس مدیریت سود بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکتها می باشد؛ به طوری که با افزایش ۱ واحدی مدیریت سود، بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکتها به میزان ۰/۴۴۰ واحد کاهش می یابد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل های صورت گرفته در ارتباط با تأیید فرضیه اول پژوهش می توان نتیجه گرفت که مدیریت سود بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکتها تأثیر معکوس و معناداری دارد.

## آزمون فرضیه دوم

نتیجه حاصل از آزمون فرضیه های دوم تحقیق در جدول رگرسیون زیر آورده شده است. فرضیه دوم تحقیق به بررسی تأثیر سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت می پردازد.

$$H_0: \beta = 0$$

$H_0 =$  سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکتها تأثیر معناداری ندارد.

$$H_1: \beta \neq 0$$

$H_1 =$  سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکتها تأثیر معناداری دارد.

جدول (۱۴): نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره فرضیه های دوم

نوع متغیر	نماد	نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی دار
متغیر وابسته	ROAt+1	بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت	—	—	—
مقدار ثابت	$\alpha$	آلفا	-۱/۳۲۵	-۴/۱۲۹	۰/۰۰۰
	INAU	سیستم کنترل داخلی از طریق وجود	۰/۳۲۸*	۴/۱۵۸	۰/۰۰۰

			حسابرس داخلی		
۰/۰۰۰	-۳/۳۳۷	۰/۶۶۳*	اهرم مالی	FL	متغیرهای کنترل
۰/۰۰۰	۴/۱۰۹	۰/۳۹۴	اندازه شرکت	SIZE	
۰/۰۰۰	-۴/۲۱۶	-۰/۴۳۳	نسبت اقلام تعهدی	ACC	
-	-	۲/۱۷۸	دوربین واتسون		
۰/۰۰۰	-	۷/۱۹۳	آماره F		
-	-	۰/۵۱۲	ضریب تعیین		R Square
-	-	۰/۵۱۰	ضریب تعیین تعدیل شده		Adjusted R Square

\*: سطح معنی داری برابر با ۰/۰۵ می باشد.

همانگونه که این جدول نشان می دهد، از آنجایی که سطح معناداری متغیرهای سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی، اهرم مالی، اندازه شرکت و نسبت اقلام تعهدی کمتر از ۰/۰۵ می باشد؛ بنابراین این متغیرها بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت تأثیر معناداری دارند. با توجه به ضریب متغیرها؛ تأثیر سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی و اندازه شرکت بر بازده داراییها (عملکرد آتی)، مستقیم و معنادار است و تأثیر اهرم مالی و نسبت اقلام تعهدی بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت، معکوس و معنادار است.

با توجه به اینکه سطح معناداری آماره F کمتر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۰۰۰)؛ بنابراین الگوی رگرسیون برازش (محاسبه) شده معنادار است و با توجه به ضریب تعیین، این متغیرها ۵۱/۲ درصد از تغییرات بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت را توضیح می دهند.

آماره دوربین واتسون نیز چون بین ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد (۲/۱۷۸)، پس می توان نتیجه گیری کرد که بین جملات خطا در معادله رگرسیون، مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

با توجه به جدول ۱۴ از آنجایی که سطح معناداری متغیر سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی کمتر از ۵ درصد می باشد (۰/۰۰۰)؛ بنابراین تأثیر سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکتها معنادار می باشد و با توجه به ضریب بدست آمده (۰/۳۲۸) این تأثیر مستقیم می باشد.

مثبت بودن ضریب متغیر سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی (۰/۳۲۸) حاکی از تأثیر مستقیم سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکتها می باشد؛ به طوری که با افزایش ۱ واحدی سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی، بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکتها به میزان ۰/۳۲۸ واحد افزایش می یابد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل های صورت گرفته در ارتباط با تایید فرضیه سوم پژوهش می توان نتیجه گرفت که سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکتها تأثیر مستقیم و معناداری دارد.

### آزمون فرضیه سوم تحقیق

نتیجه حاصل از آزمون فرضیه سوم تحقیق در جدول رگرسیون زیر آورده شده است.

جدول (۱۵): نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره فرضیه پنجم

نوع متغیر	نماد	نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی دار
متغیر وابسته	ROA <sub>t+1</sub>	بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت	-	-	-
مقدار ثابت	α	آلفا	۰/۵۹۸	۴/۱۶۵	۰/۰۰۰

۰/۰۰۰	-۴/۳۵۴	-۰/۲۷۶	مدیریت سود	EM	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۳/۱۸۷	۰/۳۵۹	سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی	INAU	متغیرهای کنترل
۰/۰۲۸	۲/۲۹۰	۰/۵۶۹	سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی*مدیریت سود	INAU*EM	
۰/۰۱۷	-۲/۵۲۷	-۰/۴۲۱	اهرم مالی	FL	
۰/۰۰۰	۴/۹۳۲	۰/۳۰۹	اندازه شرکت	SIZE	
۰/۰۰۰	-۴/۴۶۵	-۰/۴۲۶	نسبت ارقام تعهدی	ACC	
—	—	۱/۸۲۲	دوربین واتسون		
۰/۰۰۰	—	۱۴/۱۵۴	آماره F		
—	—	۰/۶۳۴	ضریب تعیین		R Square
—	—	۰/۶۳۳	ضریب تعیین تعدیل شده		Adjusted R Square

\*: سطح معنی داری برابر با ۰/۰۵ می باشد.

همانگونه که این جدول نشان می دهد، از آنجایی که سطح معناداری متغیرهای مدیریت سود، سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی، اهرم مالی، اندازه شرکت و نسبت ارقام تعهدی کمتر از ۰/۰۵ می باشد؛ بنابراین این متغیرها بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت تأثیر معناداری دارند. با توجه به ضریب متغیرها؛ تأثیر سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی و اندازه شرکت بر بازده داراییها (عملکرد آتی)، مستقیم و معنادار است و تأثیر مدیریت سود، اهرم مالی و نسبت ارقام تعهدی بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت، معکوس و معنادار است. منفی بودن ضریب متغیر مدیریت سود (-۰/۲۷۶) حاکی از تأثیر معکوس مدیریت سود بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکتها می باشد؛ به طوری که با افزایش ۱ واحدی مدیریت سود، بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکتها به میزان ۰/۲۷۶ واحد کاهش می یابد.

با مقایسه ضرائب رگرسیونی به دست آمده برای متغیر مدیریت سود در جدول ۱۵ و ۱۳ و کاهش ضریب از (۰/۴۴) به (۰/۲۷۶) می توان نتیجه گیری کرد که فرضیه پنجم تحقیق تأیید شده و سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی موجب کاهش ارتباط معکوس بین مدیریت سود و بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت می گردد. با توجه به اینکه سطح معناداری آماره F کمتر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۰۰۰)؛ بنابراین الگوی رگرسیون برازش (محاسبه) شده معنادار است و با توجه به ضریب تعیین، این متغیرها ۶۳/۴ درصد از تغییرات بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت را توضیح می دهند.

آماره دوربین واتسون نیز چون بین ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد (۱/۸۲۲)، پس می توان نتیجه گیری کرد که بین جملات خطا در معادله رگرسیون، مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

### بحث، نتیجه گیری و پیشنهادات

امروزه فرآیند بررسی عملکرد شرکتها از مهمترین موضوعات مورد توجه مدیران، سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان و سایر اشخاص ذینفع محسوب می شود و نتایج حاصل از آن مبنای بسیاری از تصمیم گیری ها در داخل و خارج از شرکتها است. منظور از سنجش عملکرد آتی شرکتها، ارزیابی کلی از وضعیت مالی و نتایج عملیات، به منظور اخذ تصمیمات منطقی است (دریایی و شهرابی، ۱۳۹۷).



سود یکی از مهمترین منابع برای ارزیابی عملکرد واحد اقتصادی و شاخصی مناسب برای تصمیمات سرمایه گذاران به حساب می آید. در ادبیات حسابداری، مدیریت سود از موضوعاتی است که درخصوص سود حسابداری مطرح می شود. در ادبیات حسابداری، مدیریت سود به عنوان گزارش نادرست سطح عملکرد اقتصادی شرکت توسط افراد درون سازمانی (به ویژه مدیریت) تعریف می شود که با هدف گمراه کردن ذینفعان و دست اندرکاران بازار سرمایه صورت می گیرد. مدیریت سود در حسابداری، عملی عمدی برای اثرگذاری بر فرآیند گزارشگری مالی بخاطر کسب سود شخصی است و شامل تغییر گزارش های مالی جهت گمراه ساختن سهامداران درباره عملکرد اساسی سازمان یا تحت تاثیر قراردادن پیامد های قراردادی است که وابسته به ارقام حسابداری گزارش شده می باشد (دینگ و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸).

مدیریت سود وقتی است که مدیران قضاوت خویش را در گزارشگری مالی و در نحوه ثبت و گزارش مبادلات بصورتی وارد نمایند که تغییری در محتوای گزارش های مالی صورت داده، یا برخی از سهامداران را نسبت به عملکرد اقتصادی شرکت گمراه نمایند و یا بر معیارها و پیامد های قراردادی که وابسته به ارقام حسابداری گزارش شده اند تاثیر گذارند (حاجیه و نوری، ۱۳۹۲).

یکی از عوامل تعیین کننده کیفیت گزارشگری مالی؛ توجه به کنترل های داخلی است. سیستم کنترل داخلی به سه جزء ۱- محیط کنترل شامل: طرز تفکر مدیریت، طرح سازمانی، روش های مدیریت نیروی انسانی، پیش بینی های مالی و بودجه، حسابرسی داخلی، کمیته حسابرسی ۲- سیستم حسابداری شامل: مستندات داخلی کافی برای تشخیص مسئول هر کار، فهرست حسابها، دستورالعمل های اجرایی، رویه ها و روش های حسابداری ۳- روش های کنترل شامل: صدور صحیح مجوز معاملات، تفکیک مسئولیتها، مستندات کافی، حسابداری مؤثر داراییها، ارزشیابی صحیح اقلام ثبت شده تقسیم بندی می شود. کنترل های داخلی مربوط به سیستم حسابداری با دستیابی به هدفهایی چون موارد زیر سروکار دارند: الف: معاملات طبق مجوزهای کلی یا خاص مدیریت انجام می شود. ب: تمام معاملات و دیگر رویدادهای مالی به موقع و با مبالغ صحیح در حسابهای مربوط و در دوره حقوق ثبت می شود تا تهیه صورت های مالی را طبق استانداردهای حسابداری امکان پذیر کند. ج: دسترسی بر داراییها و مدارک تنها با مجوز مدیریت صورت می گیرد. د: داراییها ثبت شده با غیر داراییها موجود در فواصل زمانی مناسب مقایسه و هرگونه اختلاف موجود به گونه ای مقطعی، پیگیری و رد می شود (سید نژاد فهیم و همکاران، ۱۳۹۷).

بر اساس تحقیقات گذشته؛ مدیران دست کم با توجه به یکی از این سه رویکرد، سود شرکت های تحت نظارت خود را مدیریت کرده اند: ۱- دستکاری در اقلام تعهدی ۲- دستکاری در طبقه بندی و ۳- دستکاری در فعالیت واقعی (هیلی و والن<sup>۲</sup> ۱۹۹۹). در دو نوع اول مدیریت سود، فقط نحوه گزارشگری اقلام حسابداری تغییر می کند و تاثیری بر جریان نقدی آتی ایجاد نخواهد شد؛ در حالی که در مدیریت سود واقعی با تغییر در فعالیت های واحد تجاری، جریان های نقدی آتی تحت تاثیر قرار می گیرند. معمولاً ارزیابی مدیریت سود واقعی، رفتارهای فرصت طلبانه را آشکار می سازد و سرمایه گذاران، شاهد بی کفایی در استفاده از منابع خواهند بود و مدیریت سود از طریق اقلام واقعی، یکی از پیامد های مهم تضاد منافع بین سهامداران و مدیران است (نایلا و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵).

در این پژوهش ابتدا به بررسی رابطه بین مدیریت سود و بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت پرداخته شد و سپس تأثیر سیستمهای کنترل داخلی بر رابطه بین مدیریت سود و بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت سنجیده شده است. یافته های مهم این تحقیق را می توان به شرح زیر بیان کرد:

1. Ding and et al  
2. Healy and wahlen  
2. Naila and et al  
3. Naila tabassum

براساس نتایج فرضیه اول تحقیق مدیریت سود بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ تأثیر معکوس و معنی‌داری وجود دارد و این نتیجه به این مهم اشاره دارد که هر چه میزان فعالیتهای مدیریت سود در گزارشگری مالی بالاتر باشد؛ بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت کاهش می‌یابد. با توجه به این که صورت‌های مالی اطلاعات مربوط و با ارزشی را برای گروه‌های برون سازمانی فراهم می‌کند، اتکای شدید بر اعداد حسابداری و به ویژه سود، انگیزه‌های قدرتمندی را برای مدیران ایجاد می‌کند تا سود را به نفع خودشان دستکاری کنند. مدیریت سود، الزاماً عملکرد واقعی شرکت را منعکس نمی‌کند و ممکن است منجر به ارائه اطلاعات نادرستی در مورد شرکت شود و در نتیجه باعث قضاوت نادرست سهامداران و سرمایه‌گذاران در مورد عملکرد شرکت شود که در نهایت می‌تواند منجر به کاهش بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت شود.

براساس نتایج فرضیه دوم تحقیق سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ تأثیر مستقیم و معنی‌داری وجود دارد و این نتیجه به این مهم اشاره دارد که هر چه واحد حسابرس داخلی در شرکت کاراتر عمل نماید؛ بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت افزایش می‌یابد.

ضعیف بودن کنترل داخلی موجب عدم حساسی دقیق صورتهای مالی و ضعف در انتشار به موقع اطلاعات صورتهای مالی شرکت می‌گردد. این امر مستلزم این است که واحد حسابرسی داخلی کارآمد تر عمل نماید می‌گردد. از طرفی حسابرسان داخلی با گذشت زمان شناخت بهتری از فعالیتهای صاحبکار بدست آورده و تجربه بیشتری کسب می‌کنند و به این ترتیب توانایی شان در مورد مناسب بودن یا نبودن رویه‌های حسابداری و گزارشگری افزایش می‌یابد. بنابراین، رابطه طولانی مدت حسابرس و صاحبکار می‌تواند کیفیت حسابرسی را بهبود بخشد از سوی دیگر هزینه‌های حسابرسی، چه برای حسابرس و چه برای صاحبکار، افزایش خواهد یافت. به بیان دیگر، با افزایش کارایی واحد حسابرسی داخلی در شرکت؛ بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت نیز افزایش می‌یابد.

براساس نتایج فرضیه سوم تحقیق سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی موجب کاهش رابطه بین مدیریت سود و بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌گردد و این نتیجه به این مهم اشاره دارد که هر چه واحد حسابرس داخلی در شرکت کاراتر عمل نماید؛ دستکاری در صورتهای مالی کاهش یافته و بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت افزایش می‌یابد.

واحد حسابرسی داخلی فعالیتی مشاوره‌ای، اطمینان آور، مستقل و بیطرفانه است که به منظور افزودن ارزش و بهسازی عملیات سازمان طراحی می‌شود و هدف آن کمک به سازمان برای نیل به اهداف خود از طریق ارزیابی، کارایی فرایندهای مدیریت خطر، کنترل و نظارت سازمانی با رویکردی منظم و منضبط است و از طرف دیگر سبب کاهش هزینه حسابرسی مستقل صورتهای مالی و صرفه جویی در زمان ارائه خدمات می‌شود. سازماندهی کار واحد حسابرسی داخلی، همکاری و هماهنگی بین ناظران و حسابرسان مستقل و بازرسان و مدیران را تسهیل می‌کند و به مؤثرتر و کاراتر شدن فرایند نظرات منجر خواهد شد. این امر موجب کاهش فعالیتهای مدیریت سود و در نهایت ارتقای عملکرد مالی شرکت می‌گردد.

نتایج مربوط به متغیرهای کنترلی نشان داد:

نسبت اقلام تعهدی؛ تأثیر معکوس و معناداری بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت دارد و این امر نشانگر این است که صورتهای مالی شرکتهایی که اقلام تعهدی بالاتری دارند بیشتر در معرض مدیریت سود و کاهش کیفیت گزارشگری مالی هستند. کاهش کیفیت گزارشگری مالی موجب کاهش دقت تصمیم‌گیری و پیش‌بینی مدیران می‌گردد و در نهایت سودآوری شرکت کاهش می‌یابد.

اندازه شرکت؛ تأثیر مستقیم و معناداری بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت دارد و این امر نشانگر این است که شرکتهایی که دارایی و سرمایه بیشتری دارند و مدیران خبره و متخصص در استخدام دارند؛ این امر موجب سرمایه گذاری بیشتر و استفاده از فرصتهای رشد شرکت می گردد و در نهایت عملکرد و سودآوری آنان نسبت به شرکتهای کوچک افزایش می یابد.

اهرم مالی تأثیر معکوس و معناداری بر بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت دارد. اهرم مالی بالاتر نشان دهنده بالاتر بودن ریسک ورشکستگی شرکت می باشد. شرکتهایی که اهرم مالی بالایی دارند به معنای اینست که پرداخت بدهیها را باید در اولویت بگذارند و نمی توانند از فرصتهای سرمایه گذاری و رشد به نحو مطلوب استفاده کنند و منابع شرکت صرف رفع بدهیها می شود. شرکتهایی که از فرصتهای رشد و سرمایه گذاری بالاتری برخوردارند و از این فرصتها استفاده می کنند؛ سودآوری و عملکرد بالاتری خواهند داشت. در این شرکتهای بعلت سودآوری بالا؛ اهرم مالی شرکت کاهش می یابد زیرا این شرکتهای کمتر اقدام به استقراض بانکی می کنند و کمتر در معرض ورشکستگی قرار می گیرند.

### پیشنهادهای کاربردی پژوهش

براساس نتایج فرضیه اول مبنی بر تأثیر معکوس و معنادار مدیریت سود بر بازده داراییها (عملکرد آتی)؛ به مدیران شرکتهای توصیه می شود حسابرسی شرکت به مؤسسات مشهور حسابرسی سپرده شده و نظارت بر صورتهای مالی در جهت کاهش مدیریت سود افزایش یابد.

براساس نتایج فرضیه دوم مبنی بر تأثیر مستقیم سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی بر بازده داراییها (عملکرد آتی) به مدیران شرکتهای توصیه می شود؛ واحد حسابرسی داخلی شرکت را فعالتر کنند و از افرادی به عنوان حسابرس داخلی شرکت استفاده شود که تجربه و سابقه بالایی در امر حسابرسی دارند؛ زیرا حسابرسی افراد باتجربه بیشتر می تواند به ارتقای کیفیت گزارشگری مالی و در نهایت عملکرد آتی شرکت کمک کند.

براساس نتیجه فرضیه سوم مبنی بر اینکه سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی موجب کاهش رابطه معکوس بین مدیریت سود و بازده داراییها (عملکرد آتی) شرکت می گردد به مدیران شرکت توصیه می شود ارتباط بین واحد حسابرس داخلی شرکت و هیئت مدیره در حد مطلوبی باشد زیرا این امر به کارایی واحد حسابرسی کمک شایانی می کند.

با توجه به نتایج تحقیق به دانشجویان پیشنهاد می شود در آینده موضوع این پژوهش را در زمینه های زیر انجام دهند:

۱. بررسی تأثیر سیستم های کنترل داخلی بر رابطه بین مدیریت سود و عملکرد آتی شرکت به تفکیک صنعت در بورس اوراق بهادار تهران.

۲. بررسی تأثیر سیستم های کنترل داخلی بر رابطه بین مدیریت سود و عملکرد آتی شرکت طی مراحل چرخه عمر شرکتهای (رشد، بلوغ و افول).

۳. بررسی نقش انواع مالکیت بر رابطه بین مدیریت سود و عملکرد آتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

۴. بررسی تأثیر سطح افشای اطلاعات بر رابطه بین مدیریت سود و عملکرد آتی در صنعت بانکداری ایران.

## منابع

- ✓ آوردن راضیه، میر فاطمه (۱۳۹۷)، بررسی مدیریت واقعی سود بر عملکرد آتی شرکت های خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پنجمین کنفرانس ملی پژوهشهای کاربردی در مدیریت و حسابداری .
- ✓ استکی، حسین، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین مؤلفه های کیفیت حسابداری و هزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری، نظریه و عمل، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۳۰.
- ✓ اسمعیل پورترجی، قربانعلی، مسعود سعیدیان، جعفری تراچی، تقی، (۱۳۹۴)، تأثیر مدیریت واقعی سود بر عملکرد مالی آتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، چهارمین همایش ملی علوم مدیریت نوین، گرگان، انجمن علمی و حرفه ای مدیران و حسابداران گلستان.
- ✓ آقای محمدعلی، چالاکی، پری، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین ویژگی های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری و حسابداری (تحقیقات حسابداری)، دوره ۱، شماره ۴، صص ۵۴-۷۷.
- ✓ حاجیه، زهره، نوری، مژگان، (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر اقلام تعهدی و جریان وجوه نقد بر عملکرد آتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ✓ حساس یگانه، یحیی، ولی زاده لاریجانی، اعظم، محمدی، امیر، (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر تخصص صنعت حسابداری بر گزارشگری مالی و واکنش بازار سرمایه، فصلنامه بورس اوراق بهادار، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۴۳-۶۴.
- ✓ رویایی، رمضانعلی، ابراهیمی، محمد، (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر وجود حسابداری داخلی بر عملکرد شرکتهای بورسی تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۷۱-۸۸.
- ✓ سیدنژادفهییم، سیدرضا، اقدامی، اسماعیل، میراحمدی، سیده لیلا، (۱۳۹۷)، بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی، یازدهمین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت و هفتمین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری های باز، تهران، شرکت همایشگران مهر اشراق.
- ✓ شمس زاده، باقر، الماسی، بهنام، (۱۳۹۶)، بررسی نقش هموارسازی سود بر پیش بینی عملکرد آتی شرکت های بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری و حسابداری، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۱۲۲-۱۳۷.
- ✓ صالحی، عباس، (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر ویژگی های مدیرعامل بر میزان مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم مدیریت و حسابداری ایران، تهران، مرکز بین المللی همایشها و سمینارهای توسعه پایدار علوم جهان اسلام.
- ✓ گمراوی، یوسف، فیروزیان، محمود، محمود همت فر، (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر توانایی های مدیریت بر ارتباط میان مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت های واقعی و عملکرد آتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین کنفرانس ملی حسابداری و علوم اقتصادی، قم، موسسه مدیریت کنفرانس های علمی اندیشوران هزاره سوم.
- ✓ لاری سمنانی، بهروز، جعفری زاد، سپیده، (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر وجود حسابداری داخلی و محافظه کاری در گزارشگری مالی بر مدیریت سود شرکتهای بورسی تهران، مجله مهندسی مالی و مدیریت پرتفوی، شماره چهارم، صص ۱۶۵-۱۹۶.
- ✓ مشایخی، بیتا، عظیمی، عابد، (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر توانایی های مدیریت بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت، بررسی های حسابداری و حسابداری، دوره ۲۳، شماره ۲، صص ۲۵۳-۲۶۷.

- ✓ منصورفر، غلامرضا، رحمانی، علی، قادری افتخاری، هاجر، (۱۳۹۶)، به بررسی نقش تعدیل گری بیش اطمینانی مدیریت در ارتباط بین مدیریت واقعی سود افزایی و عملکرد آتی شرکت، دانشگاه الزهرا ارومیه دانشگاه علوم اجتماعی و اقتصاد.
- ✓ مهام، کیهان، بک محمدی، صباح، (۱۳۹۵)، به بررسی رابطه مدیریت سود عملکرد جاری و عملکرد آتی باافزایش امنیت شغلی مدیر عامل در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسی سال ۸، شماره ۲۹، صص ۹۱-۹۸.
- ✓ مهرآذین، علیرضا، مسیح آبادی، ابوالقاسم، دهنوی، محمدعلی، (۱۳۹۳)، شفافیت اطلاعات مالی و محتوای اطلاعاتی سود، دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۸، صص ۱۱۳-۱۳۰.
- ✓ نوروش، ایرج، میرحسینی، سیدعلی، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین کیفیت افشا (قابلیت اتکا و به موقع بودن) و مدیریت سود، فصلنامه بررسیهای حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵۵.
- ✓ نوروش، ایرج، ناظمی، امین، حیدری، مهدی، (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر وجود حسابرس داخلی بر مدیریت سود، فصلنامه بررسیهای حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۳، صص ۱۳۵-۱۶۰.
- ✓ Abernethy ،M.A. ،J. Bouwens ،and P. Kroos. (2017). Organization identity and earnings manipulation. Accounting ,Organizations and Society 58: 1-14
- ✓ Adams, R., Ferreira, D., 2017. A theory of friendly boards. J. Financ. 62 (1), 217-250.
- ✓ Adete, L.A., Fried, J.M., Walker, D.I., 2013. Managerial power and rent extraction in the design of executive compensation. Univ. Chic. Law Rev. 69, 751-846.
- ✓ Amarjit gill (2013)earnings management ،firm performance ،and the value of Indian manufacturing firms ،international research journal of finance and economics ،iss 1450-2887 issue 116 november ۲۰۱۳، <http://www.internationalresearchjournaloffinanceand economics.com>.
- ✓ Barua ،A. ،L.F. Davidson ،D.V. Rama ،and S. Thiruvadi. (2012). CFO gender and accruals quality Accounting Horizons 24 (1): 25-39.
- ✓ Basem-al-shart ،Q. ،J. Lee ،and T. Shevlin. (2018). Internal governance and real earnings management. The Accounting Review 91(4): 1051-1085.
- ✓ Beatriz grcia osma, Jacobo G. Ernesto L. (2019). Management accounting and control systems and earnings management: Effects on future firm performance. University of ColoradoCAR Vol. 27 No. 3.1-34.
- ✓ Bebchuk, L.A., Fried, J.M., 2017. Executive compensation as an agency problem. J. Econ. Perspect. 17 (3), 71-92.
- ✓ Chenhall ،R.H. ،and F. Moers. (2015). The role of innovation in the evolution of management accounting and its integration into management control. Accounting ، Organizations and Society 47: 1-13.
- ✓ Cheung, Y.L., Speciale, A.W.S., 2015. Ownership concentration and executive compensation in closely held firms: Evidence fromHong Kong. J. Empir. Finan.12 (4), 511-532.
- ✓ Cupertino, cesar Medeiros Cupertino,antonio lopomartinez , newton carneiro \*affonso da costa jr (2016) ،consequences for future return with earnings management througn real operating activities rev. contab.finance .vol .27no .71. saopaulo may /aug .2016.
- ✓ Dianthi abody ،marye .borth ،ron kasznik(2019)revaluations of fixed assets and future firm performance evidence from the uk.jurnal of accounting &economics journal of accounting and economic 26(1999)149-178.
- ✓ Ding ،J.-S. ،Y.-M. Kwak ،and C. Choe. (2018). Earnings Management Surrounding CEO Turnover: Evidence from Korea. Abacus 50: 25-55.
- ✓ Haggard, K.S., Martin, X., and R. Pereira (2016), "Does voluntary disclosure improve stock price informativeness?," Financial Management, Vol. 37, pp. 747- 768.

- ✓ Huimin Chung a, William Q. Judge b, Yi-Hua Li (2015). 'Voluntary disclosure, excess executive compensation, and'. *Journal of Corporate Finance* 32 (2015) 64–90.
- ✓ Hwang, B.H., Kim, S., 2015. It pays to have friends. *J. Financ. Econ.* 93 (1), 138–158.
- ✓ Iyengar, R., and E. Zampelli. 2017. Does accounting conservatism pay? *Accounting and Finance* 50 (1) (Mar): 121.
- ✓ Liu, L. Gou, Z. & Zuo, J. (2014). Social support mediates loneliness and depression in elderly people. *J Health Psychol.*
- ✓ Liuong, K. and Hourvitse, M. (2016). The association between Cost of Capital and disclosure: The case of Saudi Arabia. *Journal of American Academy of Business, Cambridge*, 7(1), 310–321.
- ✓ Machdar, near marinda. Al der manurung D:r.m etty murwanningsari (2017) the effects of earnings conservatism , quality and real earnings management on the company s performance and information asymmetry as a moderating variable ,international journal of economics and financial issues ,2017 ,7(2),309-318. Available at [http :www.econjournals.com](http://www.econjournals.com).
- ✓ Naila tabassum and ahmad kaleem and mian sajid nazir (2015) real earnings management and future performance 'artical in global business review 16(1):21-34.february 2015 with 217reads.
- ✓ O'Connell, V. 2016. The impact of accounting conservatism on the compensation.. *Journal of Corporate Finance* 32 (2015) 64–90.
- ✓ Papa, K.A., Parrino, R., Trapani, T., 2015. Outside directors and CEO selection. *J. Financ. Quant. Anal.* 31 (3), 337–355.
- ✓ Zureigat, K.F., 2017. Reciprocally interlocking boards of directors and executive compensation. *J. Financ. Quant. Anal.* 33 (3), 331–343.

